



A Grounded Theory Analysis of the Experience of Repeated Love Failure among Iranian Youth

Laya Dindoost¹, Ismail Asadpour^{2*}, Kianoush Zaharakar³,
Farshad Mohsenzadeh⁴

1. PhD, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Science, University of Kharazmi, Tehran, Iran. Email: dindoost.laya@gmail.com
2. Corresponding author, Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: dr.iasadpour@khu.ac.ir
3. Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Science, University of Kharazmi, Tehran, Iran. Email: drzaharakar@khu.ac.ir
4. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Science. Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: farshadm56@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 30 Nov 2021
Revised: 8 Jan 2022
Accepted: 9 Feb 2022
Published Online: 8 Jul 2023

Keywords:
*Grounded Theory,
Recurrent Love Failure,
Single Girls and Boys.*

ABSTRACT

Using qualitative research grounded in theory, the purpose of this study was to investigate the various factors that influence repeated love failure. Based on the saturation principle, semi-structured interviews were conducted with 16 unattached boys and girls in Tehran in 2021 (6 boys and 10 girls) who had experienced at least two love failures. This study's participants were selected using a targeted, snowball and available methodology. Strauss and Corben's (1987) systematic analysis and three coding techniques—open, axial, and selective—were utilized to analyze the interviews. According to the results, the core concept of the model was determined to be emotional-impulsive choice, communication weakness, and love failure categories. Analyzed were the eight categories of recurrent love failure: selection and communication based on active and unhealthy goals, pathological dependence combined with anxiety, self-destruction and lack of self-compassion, lack of necessary preparations to lead the relationship to stable interaction, destructive and unstable interaction patterns, conflicting differences, unrealistic fears, and facilitator personality traits. There were two categories of risk factors (family dysfunction and absence of a specialized and effective social network guide). Interfering factors of recurrent love failure fell into two categories: lack of facilitators of right choice and constructive action, interfering skill deficiencies. The actions (strategies) were categorized into four groups: transitory and destructive emotional-cognitive actions, stable and destructive emotional-cognitive actions, destructive physical actions, and destructive behavioral actions. The consequences were divided into three categories: facilitators of correct choice and committed romantic relationship, absolute avoidance of romantic interactions, facilitators of incorrect choice, and re-failure of romantic relationship.

Cite this article: Dindoost, L., Asadpour, I., Zaharakar, K., & Mohsenzadeh, F. (2023). A Grounded Theory Analysis of the Experience of Repeated Love Failure among Iranian Youth. *Journal of Applied Psychological Research*, 14(2), 39-68. doi: 10.22059/japr.2023.334765.644103.





واکاوی تجربه شکست عشقی مکرر در جوانان ایرانی (یک مطالعه داده‌بنیاد)

لعیا دین‌دوست^۱، اسماعیل اسدیپور^۲، کیانوش زهراکار^۳، فرشاد محسن‌زاده^۴

۱. دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: dindoost.lava@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: dr.iasadpour@khu.ac.ir

۳. استاد، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: drzaharakar@khu.ac.ir

۴. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: farshadm56@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

کلیدواژه‌ها:

داده‌بنیاد،

دختران و پسران مجرد،

شکست عشقی مکرر.

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مختلف مؤثر بر شکست عشقی مکرر در قالب پژوهشی کیفی و با استفاده از گراندد تئوری بود. جامعه آماری تحقیق، کلیه دختران و پسران مجرد شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بودند که حداقل دو بار تجربه شکست عشقی داشتند. از بین آن‌ها ۱۶ نفر (۶ پسر و ۱۰ دختر) به شیوه هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند و براساس اصل اشباع، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. برای تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده از روش تحلیل سیستماتیک استراوس و کوربن و سه روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی بهره گرفته شد. مطابق نتایج، مفهوم هسته‌ای مدل مقوله‌ها (انتخاب هیجانی-تکانشی، سستی ارتباطی و شکست عشقی) در نظر گرفته شد. شرایط علی شکست عشقی مکرر در هشت مقوله قرار گرفتند: انتخاب و ارتباط مبتنی بر اهداف کنشی و ناسالم، وابستگی بیمارگونه توأم با اضطراب، خودتخریب‌گری و نداشتن شفقت به خود، نداشتن آمادگی‌های ضروری برای هدایت رابطه به سمت تعامل پایدار، الگوهای تعاملی مخرب و ناپایدار، تفاوت‌های تعارض‌برانگیز، ترس‌های غیرواقع‌بینانه و ویژگی‌های شخصیتی تسهیل‌گر. عوامل زمینه‌ساز نیز دو مقوله مختل‌بودن کارکرد خانواده و بهره‌مندنبودن از راهنمایی شبکه اجتماعی متخصص و کارآمد بود. عوامل مداخله‌گر در دو مقوله نداشتن تسهیل‌گرهای انتخاب درست و کنش‌سازنده، و ضعف‌های مهارتی مداخله‌گر قرار گرفتند. کنش‌ها در چهار مقوله طبقه‌بندی شدند: کنش‌های هیجانی-شناختی گذرا و مخرب، کنش‌های هیجانی-شناختی پایدار و مخرب، کنش‌های جسمانی مخرب و کنش‌های رفتاری مخرب. همچنین سه مقوله پیامدهای شکست عشقی مکرر عبارت‌اند از: تسهیل‌گرهای انتخاب درست و رابطه عاشقانه متعهدانه، اجتناب مطلق از تعاملات عاشقانه، و تسهیل‌گرهای انتخاب اشتباه و شکست مجدد رابطه عاشقانه.

استناد: دین‌دوست، ل.، اسدیپور، ا.، زهراکار، ک.، و محسن‌زاده، ف. (۱۴۰۲). واکاوی تجربه شکست عشقی مکرر در جوانان ایرانی (یک مطالعه داده‌بنیاد). فصل‌نامه پژوهش‌های

کاربردی روانشناختی، ۱۴(۲)، ۳۹-۶۸. doi: 10.22059/japr.2023.334765.644103

ناشر: انتشارات دانشگاه

© نویسنده‌گان.

تهران



DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2023.334765.644103>

۱. مقدمه

عشق به عنوان یکی از هسته‌های‌ترین نیازهای نهادینه شده در وجود بشر، در چارچوب روابط بین فردی با ابژه‌های متفاوت تحقق پیدا می‌کند (چاپمن^۱، ۲۰۱۱). زیبایی عشق و تمایل به تجربه آن در تعامل با دیگری، ناشی از شوقی است که از آن اکتساب می‌شود و نه اشتیاقی که برانگیزاننده آن است. عشق اصیل فارغ از هرگونه خودخواهی است و پذیرش بدون قید و شرط، احترام و همدلی دوسویه، اساس آن است (رودانسکی^۲، ۲۰۱۹). رابطه عاشقانه بین زن و مرد، ارتباطی است که تقریباً تمامی انسان‌ها در طول زندگی آن را تجربه می‌کنند (کانسکی^۳، ۲۰۱۸). با وجود نیاز عمیق انسان به داشتن عشق در طول زندگی و همچنین تأثیرات مثبت آن در داشتن احساس معنا و رضایت در طول زندگی (گومز-لوپز، ویجر و اورتگا-رویز^۴، ۲۰۱۹)، رابطه عاشقانه بسیاری از افراد تعهد و تداوم چندانی ندارد و به دلایل خودخواسته یا اجبار با شکست مواجه می‌شود (تکلوی و رمضانی، ۱۳۹۸). شکست عشقی بسیار مخرب است و تعادل درونی فرد را در ابعاد مختلف هیجانی، شناختی و رفتاری به هم می‌ریزد (میترا و کوآتس^۵، ۲۰۲۱). گاریملا، وبر و دال‌سین^۶ (۲۰۱۴) در پژوهش خود گزارش کردند که بیش از ۸۵ درصد افراد در سنین جوانی در روابط عاشقانه خود ناکام می‌شوند و شکست عشقی را تجربه می‌کنند. آسایش، قاضی‌نژاد و باهنر (۱۳۹۹) نیز شیوع تجربه شکست عشقی و ادراک ضربه عشق را در بین دانشجویان نزدیک به ۲۱ درصد گزارش کردند. شکست رابطه عاشقانه با آسیب‌های روانی، خانوادگی و اجتماعی همراه است. پیامدهای این شوک به حدی گسترده و فراوان است که راس^۷ (۱۹۹۹) مدل ضربه عشق^۸ پس از شکست روابط عاطفی را ارائه داد. این مدل نشانه‌های شکست عشقی را در چهار طبقه برانگیختگی^۹، پرهیز^{۱۰}، یادآوری خودکار^{۱۱} و کرختی هیجانی^{۱۲} جای می‌دهد (گیلبرت و سیفر^{۱۳}، ۲۰۱۱). مسئله حائز اهمیتی که در این پژوهش مبنای اصلی توجه قرار گرفته، تکرار دوباره شکست عشقی است. بسیاری از مراجعان مراکز درمانی که مشاوره می‌گیرند، چنین واقعیت تلخی را تجربه کرده‌اند و بیش از یک بار شکست عشقی داشته‌اند. همان اندازه که شکل‌گیری پیوند عاشقانه مجدد تسکین‌بخش است، شکست در آن نیز می‌تواند مخرب باشد (بیلو، لی و اوسالیوان^{۱۴}، ۲۰۱۶). تجربه دوباره شکست عشقی، تمامی نشانه‌های مخرب ضربه عشق را با شدتی افزون‌تر آشکار می‌سازد و امنیت روانی فرد را به‌طور کامل متزلزل می‌کند (سولتر، گاردنر و فینکل^{۱۵}، ۲۰۰۹). چنین تجربه‌ای امید به بهبودی وضعیت را در فرد کاملاً از بین می‌برد و سبب شکل‌گیری درماندگی عمیق در او می‌شود (ویرهالین و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۹). ناامنی روانی، تمایل به تنهاماندن و ازدواج‌نکردن و همچنین بی‌اعتنایی به اهداف و تکالیف در زندگی، پیامدهای ناتوانی در سازگاری با تجربه شکست عشقی هستند (برینر^{۱۷}، ۲۰۱۵) که با شدت بیشتری در تکرار این تجربه آشکار خواهند شد و زخم ادراکی پیشین را عمیق‌تر می‌کنند. اغلب افراد پس از تجربه شکست عشقی به‌مرور برای بازگشت به وضعیت طبیعی و برقراری رابطه دوباره تلاش می‌کنند؛ با این حال زمانی که رابطه ایجادشده دوباره شکست می‌خورد، تمایل و توانشان برای بازسازی خود و پیوند موفق کاهش می‌یابد (شیمیک و بیلو^{۱۸}، ۲۰۱۴). شکست عشقی مکرر به معنای داشتن حداقل دو رابطه عاشقانه‌ای است که با شکست و انحلال مواجه شده است (پریلوکس و بوس^{۱۹}، ۲۰۰۸). تجربه پیوسته شکست در روابط عاشقانه حاکی از این واقعیت است که زمینه‌ی در

1. Chapman
2. Raudanski
3. Kansky
4. Gómez-López, Viejo, & Ortega-Ruiz
5. Metra & Coats
6. Garimella, Weber, & Dal Cin
7. Rosse
8. the love trauma syndrome model
9. arousal
10. avoidance
11. automatic membering
12. emotional anesthesia
13. Gilbert & Sifers
14. Belu, Lee, & O'Sullivan
15. Slotter, Gardner, & Finkel
16. Verhallen et al.
17. Brenner
18. Shimek & Bello
19. Perilloux & Buss

این افراد وجود دارد که به شکست مکرر روابط عاشقانه آن‌ها منجر می‌شود (بیلو، لی و اوسالیوان، ۲۰۱۶). پژوهش‌های محدودی درباره این مسئله مهم انجام شده است و فرایند این تجربه تلخ که سلامت روان، فرصت زندگی زناشویی و کارآمدی مطلوب در عرصه اجتماعی را از فرد سلب می‌کند چندان روشن نیست. مطالعات جامع در مورد چرایی و چگونگی شکست عشقی مکرر، دانش موجود در مورد آن را افزایش می‌دهد و درک آن را تسهیل می‌کند. تمرکز بر افراد دارای این تجربه می‌تواند پاسخی برای این پرسش باشد که چرا این گروه با وجود یک بار شکست عشقی دوباره و چندباره چنین واقعه تلخی را تجربه کرده‌اند. با اینکه پژوهش‌ها تمرکز زیادی بر واکاوی شکست عشقی و ابعاد آن تمرکز داشته‌اند و طیفی از عوامل و پیامدهای شخصیتی، روان‌شناختی و همچنین انگیزشی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های این پدیده و تبعات آن معرفی کرده‌اند، پژوهشی در زمینه روشن کردن چرایی و چگونگی تجربه شکست دوباره و چندباره عشقی شناسایی نشد؛ بنابراین آشکارسازی چرایی تجربه شکست مکرر در روابط عاطفی این افراد و همچنین چگونگی آن، ضمن ارائه مدل نظری تبیین‌کننده این پدیده، زمینه ارائه برنامه‌هایی را فراهم خواهد کرد که از وقوع چنین بحرانی پیشگیری کند. از یک سو به افراد کمک می‌شود تا دوباره چنین رابطه تلخی را تجربه نکنند و از سوی دیگر با افزایش دانش و آگاهی افرادی که قصد برقراری رابطه عاشقانه را دارند و همچنین رفع عوامل پیش‌بینی‌کننده شکست عشقی در آن‌ها، تجربه این واقعه تلخ را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. به‌طور کلی شناسایی چرایی و چگونگی تجربه شکست عشقی مکرر و تبعات آن می‌تواند میزان شکست عشقی را کاهش دهد و از ورود افراد به روابط مخرب تا حد زیادی بکاهد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با دختران و پسرانی که بیش از یک بار تجربه شکست عشقی داشته‌اند مصاحبه‌های عمیق^۱ انجام شود و ویژگی‌هایی که در این افراد، زمینه را برای شکست رابطه فراهم می‌کند، شناسایی شود. گفت‌وگو با این افراد می‌تواند با آشکار کردن چرایی و چگونگی شکست عشقی مکرر، ضمن افزایش دانش در این زمینه، در طراحی برنامه‌های آموزشی، پیشگیرانه و درمانی نیز بسیار مؤثر باشد. روشن‌سازی چرایی و چگونگی تجربه شکست عشقی مکرر مستلزم واکاوی ابعاد مختلف این تجربه اعم از عوامل زمینه‌ساز، روشن‌ساز و تداوم‌بخش است. همچنین باید بر پیامدها و نحوه واکنش افراد به تجربه این پدیده تمرکز شود. از این رو با این روش به این سؤالات پاسخ داده می‌شود:

۱. شرایط علی شکست عشقی مکرر از دیدگاه دخترها و پسرهای مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟ ۲. عوامل زمینه‌ساز شکست عشقی مکرر از دیدگاه دخترها و پسرهای مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟ ۳. عوامل مداخله‌گر شکست عشقی مکرر از دیدگاه دخترها و پسرهای مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟ ۴. کنش‌های شکست عشقی مکرر از دیدگاه دخترها و پسرهای مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟ ۵. پیامدهای شکست عشقی مکرر از دیدگاه دخترها و پسرهای مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟

۲. روش

۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

روش پژوهشی مورد استفاده در این پژوهش کیفی و طرح مورد استفاده داده‌بنیاد^۲ است. اصل اساسی در این طرح پژوهشی کیفی مانند سایر طرح‌های کیفی آن است که مصاحبه‌گر با استفاده از سؤال‌های باز و جامع، در مسیر واکاوی دیدگاه فرد نسبت به موضوعی خاص حرکت کند و پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها، از طریق روش‌های تحلیلی به کدبندی معنایی داده‌ها پرداخت. جامعه آماری در پژوهش از بین دخترها و پسرهای مجرد شهر تهران در سال ۱۴۰۰ که حداقل دو بار تجربه شکست عشقی داشتند انتخاب شدند. روش انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند توأم با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بود. حجم نمونه در این پژوهش مبتنی بر اصل اشباع تعیین شد. به این شکل که اشباع در دهمین مصاحبه اتفاق افتاد و برای اطمینان بیشتر از اشباع شدن اطلاعات اکتسابی، شش مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت که از این شش مورد دو مصاحبه ضبط، تایپ و تحلیل شد و چهار مصاحبه دیگر به دلیل عدم تمایل مصاحبه‌شوندگان به ضبط یا تایپ، صرفاً در قالب نظرخواهی اجرایی شدند. به این شکل که کدهای استخراجی از مصاحبه پیشین، به آن‌ها ارائه شد و آن‌ها در مورد تجربه یا عدم تجربه آن‌ها نظرات خود را

1. In-depth interview

2. Grounded Theory

بیان کردند. همچنین در پایان از آن‌ها خواسته شد که اگر تجربه دیگری داشته‌اند که در کدها اشاره نشده است، بیان کنند؛ بنابراین حجم نمونه ۱۶ نفر، شامل ۱۰ دختر و ۶ پسر بود.

معیارهای انتخاب نمونه عبارت بود از: ۱. محل سکونت مشارکت‌کنندگان شهر تهران باشد؛ ۲. مجرد باشند؛ ۳. حداقل دو بار تجربه شکست عشقی داشته باشند؛ ۴. در حال حاضر درگیر رابطه عاشقانه جدید نباشد؛ ۵. رضایت آگاهانه به شرکت در پژوهش داشته باشند؛ ۶. در پژوهش بنیادی یا مداخله‌ای هم‌زمان مشارکت نداشته باشند؛ ۷. به مواد مخدر یا الکل وابسته نباشند (این معیار از طریق مصاحبه بالینی ارزیابی شد)؛ ۸. از پرسشنامه ضربه عشق راس (LTI) نمره حداقل ۲۰ کسب کنند. معیارهای خروج از پژوهش عبارت بود از: ۱. نداشتن صداقت در پاسخ‌دهی؛ ۲. پاسخ‌دهی ناقص؛ ۳. بازبینی نکردن مصاحبه‌های ثبت‌شده و داده‌های استخراجی از آن برای تأیید صحت و سقم آن‌ها.

۲-۲. درستی آزمایی

مصاحبه‌ها و تحلیل‌ها از طریق روش چهارگانه گوبا و لینکولن^۱ (۱۹۸۹) اعتباریابی شدند. طی این روش، مصاحبه‌گر برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها، متن مصاحبه را در اختیار مصاحبه‌شونده قرار می‌دهد تا در مورد کم و کاستی و همچنین اضافات آن نظرات خود را بیان کند. نظرات به‌طور کامل روی متن مصاحبه‌ها اعمال شد. به‌منظور تضمین قابلیت تصدیق یافته‌ها، مصاحبه‌گر نهایت تلاش خود را به‌کار گرفت تا از وارد کردن پیش‌فرض‌ها، سوگیری‌ها و نگرش‌های خود در فرایند تحلیل امتناع کند. تضمین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها و همچنین یافته‌ها از طریق بهره‌گیری از نظرات استادان راهنما و مشاور در نگاشت سؤالات مصاحبه، اجرای آن و همچنین تحلیل اظهارات گردآوری‌شده محقق شد. همچنین مصاحبه‌گر پس از تحلیل، متن مصاحبه را در اختیار متخصص دیگری در تحقیق و تحلیل کیفی قرار داد و او نیز داده‌ها را تحلیل کرد. سپس نتایج استخراجی او با نتایج استخراجی پژوهشگر مقایسه، ترکیب شد و داده‌ها نهایی‌سازی شدند. در پایان برای تضمین قابلیت انتقال و تعمیم‌پذیری یافته‌ها، اعضای نمونه از سنین، موقعیت تحصیلی، شغلی و محیطی متفاوت از هردو جنس انتخاب شدند. به این شکل با گسترده‌کردن و جامع‌کردن اعضای نمونه، دستیابی به غنی‌ترین سطح اطلاعات ممکن شد.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسشنامه ضربه عشق^۲ (LTI)

این پرسشنامه را راس^۳ (۱۹۹۹) برای ارزیابی و تشخیص شکست عشقی و شدت آن طراحی کرد و در ایران نیز دهقانی و همکاران (۲۰۱۱) آن را ترجمه و هنجاریابی کردند. این پرسشنامه دارای ۱۰ گویه چهارگزینه‌ای است و میزان آشفتگی فرد از لحاظ جسمانی، هیجانی، شناختی و رفتاری را پس از تجربه شکست تعیین می‌کند. پاسخ‌های پرسشنامه چهارگزینه‌ای است و از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود و نمره برش آن نیز ۲۰ در نظر گرفته شده است (راس، ۱۹۹۹). نمره ۲۰ تا ۳۰ نشان از آن دارد که ضربه عشق به‌صورت جدی تجربه شده است و فرد نیاز به دریافت کمک تخصصی دارد. راس (۱۹۹۹) پایایی این ابزار را با استفاده از روش آلفای کرونباخ بیشتر از ۸۰ درصد گزارش کرد و در ایران نیز اکبری و همکاران (۱۳۹۱) پایایی ابزار را با استفاده از روش کرونباخ ۸۱ درصد و با استفاده از روش بازآزمایی ۸۳ درصد گزارش کردند. در این پژوهش قبل از انتخاب اعضا، پرسشنامه شکست عشقی بین آن‌ها توزیع شد و صرفاً کسانی مجوز ورود به پژوهش را برای مصاحبه کسب کردند که نمره اکتسابی‌شان بیشتر از ۲۰ بود. نمرات اکتسابی اعضا در جدول ۱ به‌طور کامل قید شده است.

۲-۳-۲. مصاحبه نیمه‌ساختار یافته^۴

مانند سایر روش‌های تحقیق کیفی، ابزار اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها در طرح پژوهشی داده‌بنیاد نیز مصاحبه نیمه‌ساختار یافته است. سؤالات مصاحبه با مطالعه پیشینه نظری و تجربی پژوهش و همچنین مشورت با متخصصان فعال در زمینه پدیده مورد بررسی

1. Guba & Lincoln
2. Love Trauma Inventory (LTI)
3. Rosse
4. semi-structured interview

تدوین شدند. با مطالعه جامع پیشینه‌های نظری و تجربی درباره شکست عشقی و شکست عشقی مکرر و همچنین گفت‌وگو با متخصصانی که در این حوزه سابقه پژوهشی، آموزشی و درمانی داشتند، سؤالات جامعی با تکیه بر تمامی ابعاد احتمالی تأثیرگذار بر بروز این مشکل طراحی شد و مبنای مصاحبه با اعضای نمونه قرار گرفت. شایان ذکر است سؤالات بعد از طراحی اولیه در اختیار استادان راهنما و مشاور قرار گرفت و پس از تأیید نهایی آن‌ها و همچنین اعمال نظرات و اصلاحاتشان، فرم نهایی مصاحبه طراحی شد.

۳. یافته‌ها

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	تحصیلات	شغل	تعداد اعضای خانواده	فراوانی شکست عشقی	نمره اکتسابی پرسشنامه ضربه عشق
۱	پسر	دکتری	داروسازی	۵ نفر، فرزند دوم	۲ بار	۲۲
۲	دختر	ارشد	منبت‌کاری	۴ نفر، فرزند دوم	۳ بار	۲۶
۳	دختر	کارشناسی	تعمیرات هواپیما	۴ نفر، فرزند دوم	۳ بار	۲۴
۴	پسر	دکتری	دانشجوی تخصص	۴ نفر، فرزند دوم	۲ بار	۲۲
۵	دختر	ارشد	کارمند کتاب‌فروشی	۴ نفر، فرزند دوم	۲ بار	۲۷
۶	دختر	ارشد	کارشناس تضمین کیفیت شرکت هواپیمایی	۴ نفر، فرزند اول	۲ بار	۲۶
۷	دختر	کارشناسی	کارمند	۱۰ نفر، فرزند ششم	۳ بار	۲۴
۸	دختر	ارشد	مدیر فروش شرکت تجهیزات پزشکی	۷ نفر، فرزند آخر	۳ بار	۲۷
۹	دختر	کارشناسی	ارشد فروش سیستم هوشمند ساختمان	۸ نفر، فرزند آخر	۳ بار	۲۳
۱۰	دختر	دکتری	دکتر تغذیه	۴ نفر، فرزند اول	۱۰ بار	۲۷
۱۱	دختر	کارشناسی	خانه‌دار	۵ نفر، فرزند آخر	۳ بار	۲۱
۱۲	دختر	دیپلم	بیکار	۵ نفر، فرزند اول	۲ بار	۲۵
۱۳	پسر	کارشناسی	مغازه‌دار	۴ نفر، فرزند دوم	۲ بار	۲۳
۱۴	پسر	دیپلم	مغازه‌دار	۷ نفر، فرزند سوم	۲ بار	۲۲
۱۵	پسر	کارشناسی	مکانیک	۵ نفر، فرزند اول	۳ بار	۲۱
۱۶	پسر	ارشد	روان‌شناسی	۱۰ نفر، فرزند آخر	۲ بار	۲۰

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین سنی افراد ۳۲/۳ سال است. حداقل نمره افراد در پرسشنامه ضربه عشق راس (LTI) ۲۰ و حداکثر نمره ۲۷ بود. مصاحبه‌ها و گفته‌های مصاحبه‌شوندگان به روش تحلیل سیستماتیک استراوس و کوربن (۱۹۸۷) تحلیل شدند. در اولین مرحله مصاحبه‌های ضبط‌شده مکتوب شدند. سپس به دور از هرگونه اعمال تغییر، حذف و جابجایی، مطالب چندین بار مطالعه شدند تا دیدی کلی به این اظهارات ایجاد شود. بعد از خلاصه کردن داده‌ها به صورت عبارات و جملات مفهومی، این عبارات بارها مطالعه شدند. این تعمق و مطالعه، در گام اول سبب ظهور و استخراج کدهای باز شد. سپس فرایند تشابه، قیاس و ادغام روی کدهای باز انجام گرفت و این کدها در چارچوب کدهای محوری تجمیع شدند؛ روندی که مفهوم هسته‌ای و درنهایت برون‌داد تفسیری داده‌ها را مشخص کرد. همچنین کدهای اکتشافی و طراحی شده با تفکر قیاسی و استقرایی چند بار بازبینی شدند تا کدها نهایی شود. اعتباریابی مصاحبه‌ها و تحلیل‌ها به روش چهارگانه گوبا و لینکولن (۱۹۸۹) انجام گرفت. ابتدا مصاحبه‌گر برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها، متن مصاحبه را در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داد تا در مورد کاستی‌ها و اضافات آن نظرات خود را بیان کنند و نظرات آن‌ها اعمال شد. مصاحبه‌گر تلاش کرد تا از وارد کردن پیش‌فرض‌ها، سوگیری‌ها و نگرش‌های خود در فرایند تحلیل امتناع کند. تضمین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها و همچنین یافته‌ها با نظارت استادان راهنما و مشاور در نگاشت سؤالات مصاحبه، اجرای آن و همچنین تحلیل اظهارات محقق شد. مصاحبه‌گر پس از تحلیل، متن مصاحبه را در اختیار متخصص دیگری

در تحقیق و تحلیل کیفی قرار داد و او نیز داده‌ها را تحلیل کرد. سپس نتایج او با نتایج استخراجی خود پژوهشگر مقایسه و ترکیب، و داده‌ها نهایی شدند. برای تضمین قابلیت انتقال و تعمیم‌پذیری یافته‌ها، اعضای نمونه از سنین، موقعیت تحصیلی، شغلی و محیطی متفاوت و از هر دو جنس انتخاب شدند. به این شکل با گسترده کردن و جامع کردن اعضای نمونه، غنی‌ترین سطح اطلاعات به دست آمد.

سؤال ۱. شرایط علی شکست عشقی مکرر از دیدگاه دخترها و پسرهای مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟
 شرایط علی رویدادهایی است که موقعیت‌ها، مباحث و مسائل مرتبط با پدیده را خلق و تا حدودی تشریح می‌کنند و بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند. شرایط علی شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجرد در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. شرایط علی شکست عشقی مکرر از دیدگاه دخترها و پسرهای مجرد

مفاهیم	مقوله‌ها	عامل اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - ارضای نیازهای جنسی و تمرکز صرف بر جذابیت جسمی-جنسی - جایگزینی تکانشی و هیجانی و التیام‌نیافتن از تنش‌های رابطه قبلی - ثابت کردن خود به خویش و معشوق پیشین - گریز از تنهایی - حسادت به دوستان و رقابت با آنها - ورود عجولانه به روابط با غایت ازدواج 	انتخاب و ارتباط مبتنی بر اهداف کنشی و ناسالم	عوامل علی شکست عشقی مکرر
<ul style="list-style-type: none"> - تلاش برای نگاه‌داشتن طرف مقابل به هر شکل ممکن - قابل تصور نبودن نداشتن دوست صمیمی از جنس مخالف - نیاز شدید به محبت جنس مخالف و بی‌توجهی به چه‌کسی بودن یا مناسب بودن او 	وابستگی بیمارگونه توأم با اضطراب	
<ul style="list-style-type: none"> - احساس بی‌ارزشی - مهربان نبودن با خود - قضاوت منفی درباره خود - غرق کردن خود در رابطه پرخطر - ناجی‌گری مخرب امید‌واهی و خودآسیب‌رسان، به تغییرپذیری دیگران 	خودتخریب‌گری و نداشتن شفقت به خود	
<ul style="list-style-type: none"> - نداشتن آمادگی اقتصادی - نداشتن مهارت‌های حفظ و تداوم رابطه - تردید در نهایی‌سازی تصمیم به ازدواج و پذیرش مسئولیت رابطه دائمی 	نداشتن آمادگی‌های ضروری برای هدایت رابطه به سمت تعامل پایدار	
<ul style="list-style-type: none"> - روابط بازیگرانه و توأم با مکر - روابط سلطه‌گر-سلطه‌پذیر - روابط مبتنی بر تعقیب و گریز 	الگوهای تعاملی مخرب و ناپایدار	
<ul style="list-style-type: none"> - نگرش متفاوت به زندگی و تفاوت در سبک زندگی - تفاوت و اختلاف خانواده‌ها با یکدیگر - تفاوت در نگرش به هدف رابطه 	تفاوت‌های تعارض‌برانگیز	
<ul style="list-style-type: none"> - ترس از رهاشدگی و طردشدن - ترس از اعتماد کردن - ترس از شکست دوباره 	ترس‌های غیرواقع‌بینانه	
<ul style="list-style-type: none"> - برون‌گرایی و هیجان‌خواهی مفرط - اعتماد ساده‌لوحانه - سلطه‌پذیری مفرط - وجدان‌گرایی پایین 	ویژگی‌های شخصیتی تسهیلگر	

اولین مقوله علی که موجبات تکرار شکست عشقی مصاحبه‌شوندگان را فراهم کرده بود، انتخاب افراد و برقراری رابطه با اهداف ناسالم، مخرب و ناکارآمد بود؛ عاملی که مصاحبه‌شوندگان با شش مفهوم به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکست در رابطه عاشقانه بر آن تأکید کردند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان صرفاً ارضای نیازهای جسمی-جنسی را هدف اصلی خود در برقراری رابطه قید کردند. این گروه تأکید داشتند که جذب جذابیت جسمی-جنسی فردی شدند، با او پیوند برقرار کردند و به‌مرور به غلط بودن انتخاب

خود پی بردند. مصاحبه‌شونده ۱۰ (زن ۳۸ ساله) در این زمینه بیان کرد: «البته من خیلی دوستش داشتم واقعاً، به‌خصوص قیافه‌اش رو واقعاً عاشقش بودم و همین جذب کرد.» همچنین بعضی از مصاحبه‌شوندگان بعد از اینکه دچار شکست عشقی می‌شدند، از لحاظ هیجانی به‌طور کامل به هم ریختند و شدت عصبانیت و ناراحتی‌شان به حدی بود که بدون در نظر گرفتن شرایط، دوباره تصمیم به رابطه عاشقانه و جایگزین کردن فردی به جای معشوق ازدست‌رفته می‌کردند. از این‌رو جایگزینی تکانشی و هیجانی و عدم التیام از تنش‌های رابطه قبلی، دومین مقوله است. مصاحبه‌شونده ۱۳ (مرد ۲۸ ساله) در این زمینه گفت: «بعد اینکه از دوست قبلیم جدا شدم، خیلی تحت فشار بودم و همیشه ناراحت بودم. بعد که با مستانه وارد رابطه شدم، مشغول شدم به اون، دیگه ناراحتی‌های قبلی رو نداشتم. فکر کنم فقط برای اینکه خودم رو درگیر این کنم و اون یکی رو فراموش کنم، بدون فکر کردن اومدم دوست شدم.» برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز هدفمند یا غیرهدفمند پس از جدایی از معشوق خود، به دنبال پیوند با فردی دیگر بودند تا به این شکل توانمندی‌شان را برای رابطه دوباره به خود و معشوق پیشین ثابت کنند. مصاحبه‌شونده ۱۳ (مرد ۲۸ ساله) در این زمینه توضیح داد: «وقتی جدا شدیم، حتماً این فکر رو داشت که من از تنهایی می‌میرم، ولی این‌طور نیست. قبلاً هم گفتم بهتون. الان رابطه خودم رو دارم، اگر توی غم و غصه فرومی‌رفتم، طرف فکر می‌کرد از زندگی دست کشیده‌م.» برخی نیز بیان می‌کردند که رهاشدن از تنهایی، عاملی بود که آن‌ها را به سمت روابط عاشقانه دیگری سوق می‌داد. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) در این زمینه بیان کرد: «من دوست داشتم دوست‌پسر داشته باشم. وقتی شکست خوردم بازم سمت رابطه رفتم. تنهایی برام قابل تحمل نیست.» برخی از مصاحبه‌شوندگان که به سمت رابطه با جنس مخالف گرایش پیدا کرده بودند، تأکید می‌کردند که می‌خواهند صرفاً دوست‌پسر یا دختر داشته باشند و با او در ارتباط باشند. این گروه بر این عقیده هستند که چون این الگوی رفتاری در بین سایر دوستان هست، باید در آن‌ها نیز وجود داشته باشد. مصاحبه‌شونده ۴ (مرد ۳۰ ساله) در این زمینه گفت: «دوستامو می‌دیدم که هرکسی به‌نوعی رابطه‌ای داشت و احساس نیاز کردم. منم دوست داشتم مثل اونا رابطه داشتم باشم. از طرف دیگه زیاد حال درونیم هم خوب نبود و یکیو می‌خواستم که باهاش حرف بزنم. از نظر عاطفی باهاش صحبت کنم، خوش بگذرونم، خاطره‌سازی کنم.»

برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز هدفشان از ورود به رابطه عاشقانه ازدواج بود، اما بدون شناخت و ارزیابی دقیق دل به روابط عاشقانه بستند. مصاحبه‌شونده ۱۰ (زن ۳۸ ساله) در این زمینه بیان کرد: «فقط می‌خوام ازدواج کنم. چیزی دیگه مهم نیست. برای همین شاید بتونم بگم کمتر توی انتخابم دقت می‌کنم.» دومین مقوله که در شکست روابط عاشقانه نقش مستقیم داشت، وابستگی بیمارگونه فرد به معشوق و اضطراب ازدست‌دادن او بود. برای تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، حفظ کردن طرف مقابل با هر بهایی بسیار حائز اهمیت بود و از همین رو گاهی خود را در معرض سوءاستفاده طرف مقابل و حتی آسیب‌دیدن قرار می‌دادند. مصاحبه‌شونده ۶ (زن ۳۰ ساله) در این زمینه توضیح داد: «بین الان با یکی از دوستام صحبت می‌کردم، گفت تو داری خودت رو کوچیک می‌کنی. غرورت رو می‌ذاری زیر پات. تحقیر داری می‌شی. این همه حرف بهت گفته تو باز داری می‌ری سمتش می‌خوای باهاش دوست بشی. ولی من نمی‌خوام رابطه رو از دست بدم.» همچنین در این رابطه در دنیای ذهنی برخی از مصاحبه‌شوندگان، داشتن صمیمیت با جنس مخالف به یک اصل کاملاً ضروری مبدل شده بود. این گروه، داشتن رابطه را بخشی از هویت خود قلمداد می‌کردند. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) در این زمینه گفت: «انگیزه‌م این نبود که بخواد کمک کنه. من فقط دلم می‌خواست دوست‌پسر داشته باشم، وگرنه هدف دیگه‌ای نداشتم. نمی‌شه الان دوست‌پسر نداشتم.» همچنین برخی از مصاحبه‌شوندگان بر اثر نیاز شدید به محبت و توجه، وارد روابطی می‌شدند که با گذر زمان اندک از نامناسب بودن و بی‌پایان بودن آن اطمینان می‌یافتند. با این حال برای ازدست‌دادن محبت، همه تلاش خود را برای حفظ رابطه و تداوم آن به کار می‌گرفتند. مصاحبه‌شونده ۶ (زن ۳۰ ساله) در این زمینه اظهار کرد: «اینکه همه کار می‌کرد که... شاید یه سری کارا می‌کرد که پدر و مادرم شاید اون کارو نمی‌کردن برام. اینقد پهلو محبتش زیاد بود، خیلی هوامو داشت و این حرفا. همه اینا باعث می‌شد آدم به این فکر کنه که اگه هدفی هم در نتیجه این رابطه نباشه، به ازدواجی ختم نشه... اصلاً نیازی نبود به ازدواج ختم بشه. من همین الانش هم فکر نمی‌کنم.»

سومین مقوله خودتخریب‌گری و نداشتن شفقت به خود است. بسیاری از افرادی که در روابط عاشقانه شکست می‌خورند، اهمیتی برای خود و سلامتشان قائل نیستند. اغلب مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، بسیاری اوقات با اینکه می‌دانستند طرف مقابل ارزشی واقعی برایشان قائل نیست، همچنان به رابطه ادامه می‌دادند. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) در این زمینه توضیح داد: «به‌هرحال

اینو می‌دونم که تو یه سن بحرانی خودم رو دوست ندارم. همیشه فکر می‌کردم کاش من جای اون دختر بودم. کاش هم‌هیکل اون دختره که عاشقش بود، بودم. کاش قیافه‌م شبیه اون بود؛ چون یه عکس‌هایی هم به من نشون می‌داد.» همچنین مصاحبه‌شوندگان برخورداری مهربانانه با خود نداشتند؛ زیرا بدون واکاوی دقیق و اغلب بدون هیچ هدفی ارتباطی را شروع می‌کردند و آن را ادامه می‌دادند؛ رابطه‌ای که در آن بارها مورد آزار و حتی سوءاستفاده قرار می‌گرفتند. مصاحبه‌شونده ۶ (زن ۳۰ ساله) در این زمینه گفت: «من جدا شدم به خاطر اینکه خیلی می‌زد من رو و از طرفی خیلی شکاک و بدبین هم بود. با این حال من بیش از شش سال باهاش موندم.» برخی از شرکت‌کنندگان نیز قضاوت منفی و خودسرزنی زیادی داشتند که به شکست عشقی آن‌ها منجر شده است. مصاحبه‌شونده ۷ (زن ۴۴ ساله) در این زمینه اظهار کرد: «می‌گم مشکل از خود منه، به خاطر اینکه می‌گم اصلاً رابطه‌ای نبود. من بلد نبودم.» از سوی دیگر گفت‌وگو با مصاحبه‌شوندگان به‌ویژه دختران مشارکت‌کننده واقعیت تلخی را آشکار می‌کند و آن این است که این گروه همواره خود را در رفتارها و روابط پرخطر غرق می‌کنند. مصاحبه‌شونده ۸ (زن ۲۸ ساله) در این زمینه بیان کرد: «خیلی مریض بود و منو خیلی کتک می‌زد، بدبین بود و تهدید می‌کرد؛ مثلاً می‌خواست با چاقو منو بکشد. من خیانتی نکرده بودم. شیطونی کرده بودیم.» برخی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که یکی از علل گرایش آن‌ها به رابطه‌های اشتباه و همچنین تداوم آن، قرارگرفتن در نقش ناجی به‌صورت خودآسیب‌رسان بود. این افراد بیان کردند که امید زیادی به تغییر طرف مقابل داشتند و بر این دیدگاه بودند که می‌توانند او را تغییر دهند. مصاحبه‌شونده ۶ (زن ۳۰ ساله) در این زمینه توضیح داد: «زودتر متوجه شدم، ولی خب می‌دونی چیه؟ احساس می‌کردم بذارم برای رابطه‌مون بجنگم. ایدئال اصلاً نبود ها. ولی اون حس... دلم می‌خواست با اینکه ایدئال نبود. ولی خب یه سری چیزها رو داشت که من یه سال و نیم باهاش دوست بودم. ولی به خاطر همون اخلاقیات تصمیم گرفتم که عیبی نداره، یه سری چشم‌پوشی‌ها رو انجام بدم که عیب نداره، حالا درست می‌شه بعداً.» مقوله بعدی در این پژوهش، نداشتن آمادگی‌های ضروری برای هدایت رابطه به‌سمت تعامل پایدار بود. برخی از افرادی که در این پژوهش شکست خورده بودند، دلیل شکست خود را نداشتن شغل، وابستگی مالی و همچنین ناتوانی طرف مقابل در برآورده کردن حداقل‌های اقتصادی بیان کردند. مصاحبه‌شونده ۵ (زن ۲۹ ساله) در این زمینه گفت: «اگه مثلاً ببینم تو می‌تونی ۵۰۰ تومن یه تومن درآمد داشته باشی، تو این مدت من خیالم راحت می‌شه، رابطه‌مونم درست می‌کنیم و تلاش می‌کنیم براش. ولی اون پول تو جیبیش هم از پدرش می‌گرفت و همین‌ها منو اذیت می‌کرد.» بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفتند یا خودشان یا طرف مقابل توانایی ایجاد صمیمیت در ابعاد مختلف را ندارد، قادر به درکشان نیست و نمی‌تواند کیفیت رابطه را در سطح مطلوبی نگه دارد. مصاحبه‌شونده ۴ (مرد ۳۰ ساله) در این زمینه بیان کرد: «شاید من به خاطر نحوه‌ای که بزرگ شدم، تو خانواده‌م زیاد پخته نبودم در روابط اجتماعی و این باعث ضعف توی این روابط شد.» همچنین هدف بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از شروع رابطه ازدواج نبود، ولی برخی چنین هدفی داشتند و گروهی دیگر نیز پس از مدتی رابطه بی‌هدف، تلاش کردند آن را به‌سمت ازدواج بکشانند. در خلال گفته‌های مصاحبه‌شوندگان روشن شد که معمولاً طرف مقابل تمایلی به ازدواج نداشت، درمورد آن دچار شک و تردید بود یا اینکه قابلیت و توانایی پذیرش مسئولیت زندگی زناشویی را در خود نمی‌دید. مصاحبه‌شونده ۵ (زن ۲۹ ساله) در این زمینه اظهار کرد: «حتی یه سال پیش رفتم پیش مشاور. من به ازدواج فکر نمی‌کردم راستشو بخوام بگم. خودم هنوز خودم رو تو اون نقطه نمی‌بینم و فکر نکنم بتونم انجامش بدم.» پنجمین مقوله علی‌تأثیرگذار در تجربه شکست عشقی مجدد که طی تحلیل اظهارات مصاحبه‌شوندگان آشکار شد، درگیربودن طرف مقابل در سبک‌های تعاملی مخرب و ناپایدار بود. یکی از منفرترین الگوهای ارتباطی عاشقانه، الگوی ارتباطی بازیگرانه و توأم با مکر است. در این الگو، افراد ابراز عشق فراوان می‌کنند و خود را صادق، متعهد و کاملاً پاک نشان می‌دهند؛ درحالی‌که هدف دیگری را دنبال می‌کنند. مصاحبه‌شونده ۱۰ (زن ۳۸ ساله) در این زمینه گفت: «از من شش سال و نیم کوچیک‌تر بود، ولی بهش نمی‌خورد و اینکه دروغ گفت که دو سال از من کوچیک‌تره. بعد از شش ماه راستش رو گفت. در اغلب روابطم با همین دروغ‌ها شیفته شدم و بعداً فهمیدم چی هست واقعاً.» برخی از مصاحبه‌شوندگان متأثر از عوامل مختلف، سلطه‌پذیری بسیار زیادی را از خود در روابط نشان می‌دادند. تمامی تلاش خود را برای حفظ طرف مقابل به‌کار می‌گرفتند، به تمامی خواسته‌های او تن می‌دادند و خواسته‌ها و آرمان‌های خود را کنار می‌گذاشتند. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) در این زمینه بیان کرد: «نمی‌دونم. بعد یه کم مقابله ساکت می‌شدم و هرچی می‌گفت قبول می‌کردم. درحالی‌که همیشه به دوستام می‌گفتم کوتاه نیاید، ولی در برابر امیر موش شده

بودم. ارتباطم رو با دخترخاله‌م به‌خاطر اینکه اون خواست قطع کردم.»

الگوی ارتباطی بعدی که نقش مخربی در متزلزل کردن رابطه عاشقانه افراد داشت، الگوی ارتباطی تعقیب-گریز بود. به این شکل که یکی از طرفین پیوسته برای نگه‌داشتن طرف مقابل به‌صورت وسواسی در تکاپو بود و طرف مقابل از او اجتناب می‌کرد. این اجتناب یا به‌دلیل بی‌میلی به خود رابطه عاشقانه بود یا به‌دلیل فرار از پیگیری‌های مکرر طرف مقابل. مصاحبه‌شونده ۱۰ (زن ۳۸ ساله) اظهار کرد: «وقتی دیدم اون داره فاصله می‌گیره، شروع کردم به چسبیدن به اون و هی غر زدم.» مقوله‌ی علی بعدی تفاوت‌های تعارض‌برانگیز بود. نگرش اغلب مصاحبه‌شوندگانی که تجربه شکست عشقی مکرر داشتند به زندگی و هدف آن با یکدیگر تفاوت داشت. برخی کسب استقلال در ابعاد مختلف را هدف زندگی می‌دانستند، برخی پیشرفت و برخی دیگر صرفاً وقت‌گذرانی را هدف زندگی قرار داده بودند. مصاحبه‌شونده ۴ (مرد ۳۰ ساله) در این زمینه بیان کرد: «طرز نگاه به زندگی، درک اون آدم، اولویت‌هاش، رفتارش و اینکه چیزهای مهم برای من برای اون هم مهم هست یا نه.» مفهوم بعدی مربوط به زمانی بود که مصاحبه‌شوندگان با این واقعیت مواجه می‌شدند که خانواده‌هایشان با یکدیگر تفاوت زیادی دارند. مصاحبه‌شونده ۸ (زن ۲۸ ساله) توضیح داد: «من فکر می‌کنم باید این‌طوری باشه. اول باید طرفو بشناسه اول، ببینه به دردش می‌خوره. من تو یه خانواده با یه تربیت دیگه‌م و اون تو یه خانواده با یه تربیت دیگه. خب طبیعیه رابطه به جایی نمی‌رسه.» مفهوم بعدی این بود که طرفین معمولاً دید متفاوتی به هدف ارتباط داشتند. یکی از طرفین صرفاً برای ارضای نیازهای فیزیولوژیکی و خوشگذرانی وارد رابطه شده بود و دیگری میل به دائمی کردن رابطه داشت. مصاحبه‌شونده ۵ (زن ۲۹ ساله) گفت: «آخرش معلوم نیست تهش چی بشه؛ یعنی رو هواست رابطه، که من گفتم من رو هوا بودن رابطه رو نمی‌خوام. اون دیدش به رابطه فرق داشت و منم دوست نداشتم همین‌طوری بی‌هدف جلو بره و دیگه به هم زدیم.» ترس‌های غیرواقع‌بینانه نیز یکی دیگر از مقوله‌های علی بروز شکست عشقی مکرر است. این ترس‌ها در فرد هیچ‌وقت به او اجازه نمی‌دهند از رابطه‌اش لذت ببرد و احساس امنیت کند. در این ارتباط، ترس از رهاشدگی و طردشدن، از قبل طی تجارب خانوادگی یا پس از تجربه چند بار شکست عشقی در افراد ایجاد شده بود. مصاحبه‌شونده ۸ (زن ۲۸ ساله) در این زمینه بیان کرد: «من بدون مرد نمی‌تونم زندگی کنم. باید حتماً یکی باشه، نمی‌تونم و از طرفی این ترس هست که بذاره بره.» از سوی دیگر اغلب مصاحبه‌شوندگان ترس زیادی از اعتماد کردن به جنس مخالف داشتند. مصاحبه‌شونده ۹ (زن ۳۷ ساله) توضیح داد: «خیلی این چیزها به چشمم نیست. ولی آدم باهوشی‌ام. از مدل حرف‌زدن آدم‌ها می‌فهمم چه‌جوری هستن. یه مقدار هم منفی‌گرا شدم، ولی با جامعه‌ای که می‌بینی حقو باید به من بدی. خیلی نمی‌تونم اعتماد بکنم و همینم باعث می‌شه رابطه‌هام دچار مشکل بشن.»

همچنین تجربه مکرر شکست عشقی سبب درونی شدن ترس از شکست دوباره در اغلب مصاحبه‌شوندگان شده بود. آن‌ها تأکید کردند که همواره می‌ترسند رابطه جدیدشان دوباره با شکست مواجه شود که این امر احساس امنیت موجود در رابطه را هم برای خودشان و هم برای طرف مقابل از بین برده است. مصاحبه‌شونده ۱۰ (زن ۳۸ ساله) در این زمینه گفت: «ببینید من الان این‌طوری شدم که از اول رابطه همه‌ش تو ذهنم اینه که دوباره اینم شکست می‌خوره، اینم نمی‌شه، همه‌ش دارم پیش‌بینی شکست می‌کنم و گند می‌زنم به رابطه‌هام.»

آخرین عامل علی تأثیرگذار، ویژگی‌های شخصیتی تسهیل‌گر بود. در این راستا تمایل بسیار زیادی به ایجاد پیوندهای صمیمانه و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در اغلب مصاحبه‌شوندگان وجود داشت که این امر به برون‌گرایی و هیجان‌خواهی مفرط اشاره دارد و زمانی که این رابطه شکست می‌خورد، به رابطه دیگری گرایش پیدا می‌کردند. برخی از مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند نمی‌توانند خود را بدون رابطه عاشقانه تصور کنند و به این رابطه نیاز دارند. مصاحبه‌شونده ۱۵ (مرد ۳۳ ساله) گفت: «من دوست دارم رابطه داشته باشم. رابطه‌های زیادی داشته‌م و دارم، ولی خب بعضی‌هاش دوست نداشتم از بین بره و از بین رفت و منم اذیت شدم.»

بررسی اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد آن‌ها بسیار ساده‌لوحانه به طرف مقابل اعتماد می‌کردند. مصاحبه‌شونده ۱۰ (زن ۳۸ ساله) اظهار کرد: «به نظرم مهم‌ترین چیز اینه که من از روز اول عاشق می‌شدم. البته عاشق نه، ولی خیلی احساساتی می‌رفتم جلو، خیلی زود و ساده اعتماد می‌کردم. درمورد دوست‌های دخترم این‌طور نیستم. خیلی زود صمیمی نمی‌شم. خیلی زود اعتماد نمی‌کنم.»

همچنین سلطه‌پذیری برخی از مصاحبه‌شوندگان سبب شده بود زیر سیطره طرف مقابل خود قرار گیرند و امیال و خواسته‌های او را برآورده کنند. مصاحبه‌شونده ۸ (زن ۲۸ ساله) توضیح داد: «خیلی بها می‌دم به مرد در رابطه‌م. طرف رو پررو می‌کنم برای خودم. بعد که دیگه طرف می‌آد رو سر من سوار می‌شه، دیگه کنترل ندارم.» همچنین برخی از مصاحبه‌شوندگان وجدان‌گرایی بسیار ضعیفی داشتند. این گروه به وظایف خود در قبال طرف مقابل بی‌اعتنا بودند. از این‌رو دل‌کندن از رابطه برای آن‌ها آسان و ورودشان به رابطه جدید آسان‌تر بود. مصاحبه‌شونده ۳ (زن ۳۳ ساله) گفت: «من واسه تفریح و لذت خودم ارتباط می‌گرفتم. اصلاً برام مهم نبود چی می‌شه.»

سؤال ۲. عوامل زمینه‌ساز شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟ شرایط زمینه‌ای، به‌صورت مستقیم به بروز پدیده یا مفهوم هسته‌ای منجر نمی‌شوند، بلکه زمینه را برای تأثیرگذاری عوامل علی بر شکل‌گیری مفهوم هسته‌ای و بروز آن فراهم می‌کنند و در نوع کنش‌های فرد تأثیر می‌گذارند.

جدول ۳. عوامل زمینه‌ساز شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجرد

مفاهیم	مقوله‌ها	عامل اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - نبود نظارت کافی والدین - سلطه‌گری بیش‌از‌حد در محیط خانواده - ترس از گرفتن راهنمایی از والدین در زمینه انتخاب و مدیریت رابطه - دریافت نکردن محبت و توجه کافی در محیط خانواده - اختلاف نظر و تعارض زیاد با خانواده - عدم تمایز یافتگی از والدین و خانواده 	مختل بودن کارکرد خانواده	زمینه‌سازهای شکست عشقی مکرر
<ul style="list-style-type: none"> - نداشتن حمایت اطلاعاتی از جانب والدین - مشورت نکردن با متخصص - نداشتن دوستان واقع‌بین یا عدم تمایل به مشورت با آن‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> بهره‌مند نبودن از راهنمای شبکه اجتماعی متخصص و کارآمد 	

اولین مقوله زمینه‌ساز، مختل بودن کارکرد خانواده است. اظهارات مصاحبه‌شوندگان حاکی از این بود که جو عاطفی سازنده‌ای را تجربه نکرده‌اند. اختلال در ابعاد مختلف کارکرد خانواده، گرایش به روابط عاشقانه پرخطر و تجربه شکست عشقی را تسهیل می‌کند. نظارت ناکافی والدین بر فرزندان یکی از مهم‌ترین عواملی است که زمینه را برای گرایش این گروه به سمت رفتارهای پرخطر فراهم می‌کند. مصاحبه‌شونده ۱۳ (مرد ۲۸ ساله) اظهار کرد: «من از دوره نوجوانی وارد این رابطه شدم. مثلاً خودم خونه داشتم تو شونزده‌سالگی؛ یعنی خونه بابام بود و من می‌رفتم اونجا. راحت بودم و کارهایی که می‌خواستم انجام می‌دادم.»

بررسی برخی از مصاحبه‌ها نشان داد افراد در روابط عاشقانه خود تا حد زیادی سلطه‌پذیرانه عمل می‌کنند و زیر یوغ طرف مقابل قرار می‌گیرند. این افراد معمولاً در خانواده‌های سلطه‌گر بزرگ شده‌اند و آزادی چندانی را تجربه نکرده‌اند. مصاحبه‌شونده ۱۶ (مرد ۲۹ ساله) توضیح داد: «من تو خونه انقدر دستور گرفتم و اطاعت کردم که الان آدم منفعلی شدم. اصلاً فضا باز نیست که آدم بره صحبت بکنه و بگه من این تجربه رو داشتم کمک کنید. وقتی این شکل اتفاق‌ها بیفته واقعاً تنها هستی.» در این راستا اغلب مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند که به‌خاطر شرم، درمورد روابط عاشقانه خود هیچ گفت‌وگو و مشورتی با والدینشان نداشتند. مصاحبه‌شونده ۱۶ (مرد ۲۹ ساله) گفت: «مسلاً اگر راحت باشیم با پدر و مادر، مخصوصاً دخترها، بهتر می‌تونن از شون راهنمایی بگیرن که آقا مثلاً فلانی بهم پیشنهاد داده. اونا عاقلانه‌تر برخورد می‌کنن. ولی همچنین چیزی نیست. حتی وقتی شکست بخوره آدم، هم می‌تونن دلگرمی باشن.» همچنین برخی از آن‌ها صمیمیت عاطفی نزدیکی را در محیط خانواده با سایر اعضا نداشتند. کمبود عاطفی فشار و تنش زیادی را در این افراد ایجاد می‌کند و از این‌رو احتمال اینکه در انتخاب خود کارآمد و عقلانی عمل نکنند زیاد است. مصاحبه‌شونده ۶ (زن ۳۰ سال) توضیح داد: «یکی اینکه خیلی خوب درک می‌کرد. خیلی خوب حواسش بهم بود. من جلب همین توجه و محبتش شدم و شیفته‌ش شدم، بعداً دچار شک شدم و فهمیدم اونی نیست که می‌خوام.»

همچنین اغلب مصاحبه‌شوندگان این پژوهش به وجود تعارض و اختلاف نظر زیاد در محیط خانواده اشاره داشتند و از آن به‌عنوان یکی از عوامل روابط زود هنگام و بدون احتیاط یاد کردند. مصاحبه‌شونده ۱ (مرد ۲۶ ساله) اظهار کرد: «اول‌هاش این اتفاق برام سخت بود، ولی از نظر روحی چرا. بالاخره از خانواده شرمنده بودم؛ چون اونا گفته‌بودن این کارو نکن، اما من کرده بودم و انگار

باختم. اونا گفته بودن نکن. من اصرار کردم و نتیجه حاصل مطلوب نبود. اول‌هاش از خانواده کمی دلگیر بودم.»

برخی از مصاحبه‌شوندگانی که تجربه شکست عشقی مکرر داشتند بر این باور بودند که طرف مقابلشان تا حد زیادی وابسته به خانواده بود و در بسیاری از مسائل حتی مسائل ریز، بدون اجازه آن‌ها اقدام خاصی انجام نمی‌داد و پس از آشنایی با خانواده طرف مقابل این واقعیت برایشان آشکار شد که از نظر خانوادگی، گزینه مطلوبی برای ازدواج نیستند. مصاحبه‌شونده ۵ (زن ۲۹ ساله) گفت: «خیلی نمی‌تونست خودش رو از خانواده‌ش جدا کنه. خیلی تصمیم‌ها رو اونا براش می‌گرفتن و این برای من قابل قبول نبود. این اواخر رابطه‌ش باهاشون خراب شده بود؛ مثلاً می‌گفت ۲۸ ساله هنوز باید جواب پس بدم.» مقوله دوم در این زمینه، بهره‌مند نبودن از راهنمای شبکه اجتماعی متخصص و کارآمد است. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که جرئت صحبت در مورد روابط عاشقانه را با والدین خود ندارند و همین امر سبب شده است که نتوانند از راهنمایی‌های سازنده آن‌ها بهره‌مند شوند. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) گفت: «فکر می‌کنم اگر امکانش بود و به مادرم می‌گفتم می‌تونست راهنماییم کنه که عکس‌العمل خوبی نشون بدم. قطعاً تصمیماتم بهتر می‌شد و در انتخاب‌های بعدی هم بهتر عمل می‌کردم؛ چون آدم عاقلیه و بزرگ‌تره. اما متأسفانه عکس‌العمل خیلی بدی به رابطه داشتن نشون می‌ده. هنوزم این جوریه و ناراحت می‌شه.» یکی دیگر از منابع اطلاعاتی که می‌تواند موفقیت یا شکست یک رابطه عاشقانه را پیش‌بینی کند و با شناسایی و رفع عوامل خطر، ریسک رابطه را تا حد زیادی کاهش دهد، مشورت با افراد متخصص است. اغلب روابط عاشقانه مصاحبه‌شوندگان چندان با عقلانیت تطابق نداشت، دو طرف اختلافات و تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داشتند، ملاک‌ها و معیارهای ارتباطی مشخص نبود، حدود مرزها گنگ بود و همچنین گاهی روابط بدون هدف بود و طرفین هیچ آمادگی‌ای برای دائمی کردن آن نداشتند که مشاور می‌توانست راهنمایی‌های مناسبی در اختیار آن‌ها قرار دهد. مصاحبه‌شونده ۷ (زن ۴۴ ساله) در این زمینه اظهار کرد: «من الان دوره آموزشی می‌رم و گوش می‌دم تا بفهمم مشکل من کجاست که هی شکست می‌خورم. اگه از قبل این دوره‌ها رو می‌رفتم و می‌شناختم خودم رو، بهتر می‌تونستم عمل کنم.» همچنین داشتن دوستان واقع‌بین می‌تواند برای روابط عاشقانه موفق تا حد زیادی کمک‌کننده باشد. اغلب مصاحبه‌شوندگان فاقد چنین دوستانی بودند یا دوستانی داشتند که خود درگیر روابط هیجانی و بدون منطق بودند. مصاحبه‌شونده ۱۳ (مرد ۲۸ ساله) توضیح داد: «بله اگر آدم دوست سالم داشته باشه، خب خودش هم سالم می‌شه. الان رقابته بین دوست‌های همسن و سال که کی بیشتر می‌تونه ارتباط بگیره. اگر کسی دوست سالم داشته باشه یا به قول شما واقع‌بین، به نظرم نه‌تنها کمتر وارد این روابط می‌شه، بلکه وقتی درگیر هم شد بهتر می‌تونه مدیریت کنه.»

سؤال ۳. عوامل مداخله‌گر شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟

شرایط مداخله‌گر، شرایطی است که ضمن ایفای نقش در تعیین چگونگی تجربه پدیده محوری، به‌عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده عمل می‌کند. عوامل مداخله‌گر می‌توانند نقش عوامل علی بر بروز پدیده مورد نظر را تسهیل یا در مقابل آن مانع ایجاد کنند. عوامل مداخله‌گر شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجرد در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. عوامل مداخله‌گر شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجرد

مفاهیم	مقوله‌ها	عوامل اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - بینش ضعیف نسبت به خود، خواسته‌ها و معیارهای ارتباطی خود (خودآگاهی) - نداشتن دوراندیشی و پیامدسنجی بسیار ضعیف - نداشتن انعطاف - نداشتن قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری 	<ul style="list-style-type: none"> نبود تسهیل‌گرهای انتخاب درست و کنش سازنده 	<ul style="list-style-type: none"> عوامل مداخله‌ای شکست عشقی مکرر
<ul style="list-style-type: none"> - نداشتن نگاه واقع‌بینانه و ایدئال‌گرایی - ضعف در تنظیم و مدیریت هیجان 	<ul style="list-style-type: none"> ضعف‌های مهارتی مداخله‌گر 	

اولین مقوله از عوامل مداخله‌گر شکست عشقی مکرر، نداشتن فقدان تسهیل‌گرهای انتخاب درست و کنش سازنده است. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد ضعف‌ها و بدکارکردی‌هایی در این افراد وجود دارد که ضمن تسهیل ورودشان به روابط پرخطر و اشتباه، مانع کنش سازنده آن‌ها در قبال شکست عشقی می‌شود.

مصاحبه‌شوندگان فاقد خودآگاهی کافی بودند و نسبت به معیارهای ارتباطی خود هیچ بینشی نداشتند. این امر سبب شده بود

که انتخابشان چندان سازنده نباشد و بعد از مدتی به فروپاشی و شکست بینجامد. مصاحبه‌شونده ۱ (مرد ۲۶ ساله) اظهار کرد: «باید قبلیش بشناسم طرف رو، خودم رو بشناسم، شرایطم رو بدونم و اینکه به قولی بی‌محابا و بدون برنامه وارد رابطه نشم؛ چون همین نشناختن خودم و اینکه کی رو می‌خوام باعث شد این‌طوری بشه.» همچنین مصاحبه‌شوندگان چندان دوراندیش و پیامدسنج نبودند. ضعفی که آن‌ها را بدون هیچ‌گونه احتیاطی به سمت روابط اشتباه و غیرهدفمند سوق داده و زمینه را برای تجربه شکست عشقی مکرر فراهم کرده بود. مصاحبه‌شونده ۱ (مرد ۲۶ ساله) گفت: «شش ماه بعد با یه خانم آشنا شدم که برنامه رفتن به ایتالیا داشت. یعنی از همون موقع می‌دونستم رابطه ادامه‌داری نخواهد بود، ولی وارد رابطه شدم باهاش.» منعطف‌نبودن یکی از خصایص مخرب تسهیل‌گر ورود به روابط متعدد عاشقانه بود. این گروه، داشتن رابطه عاشقانه را شرط اساسی زندگی می‌دانستند و صرفاً دوست داشتند دوست‌پسر یا دوست‌دختر داشته باشند. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) اظهار کرد: «من فقط دل‌م می‌خواست دوست‌پسر داشته باشم، وگرنه هدف دیگه‌ای نداشتم. نمی‌شه الان دوست‌پسر نداشتم.» همچنین مصاحبه‌شوندگان نه در انتخاب فرد و نه در مدیریت رابطه، قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری کارآمد و عقلانی نداشتند. مصاحبه‌شونده ۱۳ (مرد ۲۸ ساله) توضیح داد: «رابطه و اینکه بخوای کسی رو برای ازدواج در نظر بگیری، خیلی کار سختیه. باید بتونی همه چی رو زیرورو کنی و بفهمی که این همونیه که واقعاً می‌خوای. ولی الان من خودم تا الان همچین کاری نکردم و همه‌ش عجله‌ای بوده.» مقوله دوم در این زمینه، ضعف‌های مهارتی مداخله‌گر است. مصاحبه‌شوندگانی که کنش‌سازنده‌ای در مقابل شکست عشقی نداشتند، به دلیل نداشتن نگاه واقع‌بینانه به این تجربه، کنش‌های هیجانی، رفتاری و شناختی مخربی نشان دادند. مصاحبه‌شونده ۶ (زن ۳۰ ساله) گفت: «زودتر متوجه شدم به دردم نمی‌خوده، ولی خب می‌دونی چیه؟ احساس می‌کردم بذارم زمان بگذره و برای رابطه‌م بجنم. ایدئال اصلاً نبود ها. ولی موندم.» همچنین کنش‌های مصاحبه‌شوندگان در مواجهه با شکست عشقی مکرر حاکی از ضعف آن‌ها در تنظیم هیجانات ادراکی پس از شکست است. این گروه پس از شکست رابطه‌شان، از لحاظ هیجانی دچار آشفتگی می‌شدند و کنش‌های مخربی از خود بروز می‌دادند. مصاحبه‌شونده ۱۴ (مرد ۳۱ ساله) اظهار کرد: «هیجانی شروع کردن رابطه باعث شد من خیلی موفق نباشم. از طرف دیگه من خیلی نمی‌تونم خودم رو کنترل بکنم. زود عصبانی می‌شم و همین هم باعث می‌شه بعداً پشیمون بشم.»

سؤال ۴. کنش‌های شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟

این بعد، تمامی کنش‌ها و راهبردهای افراد در قبال تجربه پدیده محوری است که می‌تواند ماهیتی سالم یا ناسالم داشته باشد و زمینه را برای بروز پیامدهای مثبت یا منفی فراهم و به تکمیل مدل تبیین‌گر کمک کند.

جدول ۵. کنش‌های شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجرد

مفاهیم	مقوله‌ها	عامل اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - احساس شرم - احساس شکست - احساس بی‌پناهی و تنهایی - سرزنش خویش و خودمقصرسازی - افسردگی - احساس ضعف و ناتوان‌انگاری 	کنش‌های هیجانی-شناختی گذرا و مخرب	
<ul style="list-style-type: none"> - بی‌اعتمادی و بدبینی - دل‌مردگی - احساس بی‌ارزشی - طردشدگی 	کنش‌های هیجانی-شناختی پایدار و مخرب	کنش‌های شکست عشقی مکرر
<ul style="list-style-type: none"> - مختل شدن اشتها - کندی جسمانی-حرکتی - سردرد 	کنش‌های جسمانی مخرب	کنش‌های شکست عشقی مکرر
<ul style="list-style-type: none"> - گریه کردن - مصرف دارو - رفتارهای تکانشی - گوشه‌گیری 	کنش‌های رفتاری مخرب	

گروهی از کنش‌ها با اینکه مخرب بودند، حالتی گذرا داشتند و بعد از مدتی از شدت آن‌ها کاسته می‌شد و در آن‌ها درونی نشده بودند. از این‌رو اولین مقوله، کنش‌های هیجانی-شناختی گذرا و مخرب است. اولین مفهوم این مقوله، احساس شرمندگی عمیق بود. این گروه به‌خاطر ضعف خود در انتخاب درست و همچنین ناتوانی در مدیریت و تداوم رابطه و همچنین تمام‌شدن رابطه - به‌خصوص اگر طرف مقابل او را رها کرده بود- احساس شرم عمیقی می‌کردند. مصاحبه‌شونده ۱۴ (مرد ۳۱ ساله) در این زمینه بیان کرد: «بعد شکست آدم خیلی احساس شرم می‌کنه پیش خودت و دوستات. یکی از عواملی که باعث شد من بیشتر درگیر این رابطه بشم اجتناب از این شرم بود.»

همچنین احساس عمیق شکست از دیگر کنش‌های این گروه در برخورد با تجربه بحرانی شکست عشقی بود که به‌خاطر ناکامی در حفظ و تداوم رابطه بود. مصاحبه‌شونده ۱ (مرد ۲۶ ساله) گفت: «اول‌هاش این اتفاق برام سخت بود؛ چون اونا گفته بودن این کارو نکن، اما من کرده بودم و انگار باختم و احساس شکست می‌کردم.» احساس بی‌پناه‌شدن و به حال خود رهاشدن یکی دیگر از کنش‌های مصاحبه‌شوندگان در تعامل با تجربه شکست عشقی بود. آن‌ها اغلب تأکید داشتند که پس از برقراری رابطه عاشقانه به این احساس رسیده بودند که پناهگاهی امن از لحاظ عاطفی پیدا کرده‌اند. باین‌حال پس از شکست، احساس بی‌پناهی‌شان با شدت بیشتری بیدار شد. مصاحبه‌شونده ۴ (مرد ۳۰ ساله) توضیح داد: «احساس تنهایی داشتم و دوستانم رو می‌دیدم که هرکسی به‌نوعی رابطه‌ای داشت. احساس نیاز کردم و زیاد حال درونیم هم خوب نبود. یکی رو می‌خواستم که باهاش حرف بزنم از نظر عاطفی. باهاش صحبت کنم.» همچنین در زمینه شکست عشقی به نحوی خود را به‌خاطر داشتن نقش اصلی در شکست سرزنش می‌کردند. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) اظهار کرد: «برای اینکه من برای تصمیم‌گیری مهم آدم کاملی نیستم دیگه و این چند رابطه اشتباه که داشتم لابد از حماقت خودم بوده و اگه آدم کاملی بودم، این همه شکست نداشتم. خودمو خیلی سرزنش نمی‌کنم، ولی فک می‌کنم این واقعیه.» از پرتکرارترین کنش‌های مصاحبه‌شوندگان در هنگام شکست عشقی، افسردگی بود. مصاحبه‌شونده ۴ (مرد ۳۰ ساله) گفت: «خشمگین که نه اما افسرده شده بودم. عکس‌هاش رو نگاه می‌کردم گریه می‌کردم.» همچنین احساس ضعف شدید و ناتوان تلقی کردن خود در ایجاد روابط سالم، حفظ و تداوم آن، یکی دیگر از کنش‌های افراد بود که منتج از شکست عشقی بود. همین امر زمینه را برای شکست مداوم فراهم می‌کند. مصاحبه‌شونده ۶ (زن ۳۰ ساله) توضیح داد: «من واقعاً احساس ضعف می‌کردم. گفتم من واقعاً دیگه ناتوانم. هیچ کاری از دستم برنمی‌آد. الان باید چیکار کنم؟ خیلی بد گذشت.» پاره‌ای از کنش‌های منتج از تجربه مفهوم هسته‌ای (انتخاب هیجانی-تکانشی، سستی ارتباطی و شکست عشقی) مخرب و پایدار بودند. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد حتی با گذر زمان زیاد، هنوز در وجودشان ریشه دارد که در این پژوهش کنش‌های هیجانی-شناختی پایدار و مخرب نام‌گذاری شد. این کنش‌ها برخلاف کنش‌های گذرا، پایدارند و به نحوی در افراد درونی شده‌اند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان پس از شکست رابطه کوتاه‌مدت یا بلندمدت با معشوق، به جنس مخالف بی‌اعتماد می‌شدند و به‌صورت کلامی و غیرکلامی این بی‌اعتمادی را ابراز می‌کردند. مصاحبه‌شونده ۹ (زن ۳۷ ساله) در این زمینه بیان کرد: «بعد از تجربه شکست‌هام خیلی بدبین شدم به پسرها. می‌دونم اینه که باعث می‌شه یه گارد بزرگ دورم باشه. خیلی از دوستانم می‌گن تو خیلی گارد داری نسبت به آقایون.» کنش دیگری که مخرب و پایدار بود، دلمردگی در این گروه است. مصاحبه‌شونده ۳ (زن ۳۲ ساله) گفت: «بعد از شکست‌هام دیگه اصلاً کسی رو نمی‌پسندیدم. چند نفر بهم معرفی شدن، اما طرف اینقدر سردی منو می‌دید و بی‌تفاوتیم، که کلاً می‌کشید کنار.» اغلب مشارکت‌کنندگان در پژوهش دچار احساس بی‌ارزشی مخرب شده بودند. این احساس بی‌ارزشی که به‌عنوان کنش طبقه‌بندی شده، با احساس بی‌ارزشی به‌عنوان عامل تفاوت دارد. شکست عشقی متوالی سبب شده است بعضی از مؤلفه‌ها، هم علت شکست عشقی باشند و هم معلول آن. مصاحبه‌شونده ۷ (زن ۴۴ ساله) در این زمینه اظهار کرد: «اونقدر شکست خوردم، این شکست‌ها باعث شدن دوباره خودمو پایین بدونم. ظاهر خوبه، ولی از درون قاطی‌ام.» همچنین مصاحبه‌شوندگان بر این عقیده بودند که دیگران تمایلی به تعامل پایدار با آن‌ها ندارند و از جانب بیشتر افرادی که برایشان ارزش قائل هستند دور انداخته شده‌اند. این حس طردشدگی به‌ویژه از جانب عشق زندگی، در وجودشان با شدت بیشتری ایجاد شده است. مصاحبه‌شونده ۱ (مرد ۲۶) توضیح داد: «دلیل اینکه الان سراغ رابطه نمی‌رم اینه که همین ترسو دارم که دوباره اتفاق بیفته و دوباره رها بشم؛ چون هنوز پرنرنگه در وجودم. بچگی هم تجربه رهاشدن داشتم. من پنج سالم بود که پدر بزرگمو از دست دادم که اولین رویارویی من با مرگ بود. من ایشون رو خیلی دوسش داشتم.» یکی دیگر از کنش‌های افراد، کنش‌های جسمانی مخرب بود. مختل شدن

اشتها، کندی جسمانی و حرکتی و سردرد، سه کنش اصلی اعضا بود که در برخورد با تجربه شکست عشقی از خود بروز می‌دادند. تقریباً می‌توان گفت تمامی اعضا چنین کنش‌هایی را به‌ویژه در بدو شکست عشقی بروز داده بودند. مصاحبه‌شونده ۹ (زن ۳۷ ساله) اظهار کرد: «من از لحاظ جسمی خیلی ضعیف شدم، کلی گریه می‌کردم.» مصاحبه‌شونده ۱۲ (زن ۱۷ ساله) گفت: «بعد از شکست اول خب به هم ریختم و سردرد هم داشتم.»

مصاحبه‌شوندگان در هنگام شکست عشقی، کنش‌های رفتاری مخرب نیز بروز می‌دادند. گریه‌کردن، مصرف دارو برای تسکین ناراحتی، گوشه‌گیری و همچنین بعضاً رفتارهای تکانشی از جمله کنش‌های رفتاری این گروه بود. مصاحبه‌شونده ۹ (زن ۳۷ ساله) اظهار کرد: «اوایل باور نمی‌کردم. می‌گم اینقدر من تراپی رفتم. سال اول که داروی آرام‌بخش می‌خوردم.» مصاحبه‌شونده ۷ (زن ۴۴ ساله) گفت: «من تا حدی پرخاشگر هم شده بودم. خب آدم به هم می‌ریزه وقتی این وضعیت رو تجربه می‌کنه.» مصاحبه‌شونده ۳ (زن ۳۲ ساله) بیان کرد: «آره خیلی متفاوت بود؛ چون رابطه‌مون با بقیه دوستی‌هام فرق داشت. تا دو سه روز تو خونه گوشه‌گیر بودم. اصلاً حرف نمی‌زدم و خیلی ناراحت بودم. هیچ جایی نمی‌رفتم. مستقیم می‌رفتم اتاق و کار خاصی نمی‌کردم.»

سؤال ۵. پیامدهای شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجردی که تجربه آن را داشته‌اند چیست؟ پیامدها شامل خروجی‌های تأثیرگذار مشهود و نامشهودی است که در نتیجه بهره‌گیری از کنش‌ها و راهبردهای افراد در مواجهه با پدیده محوری بروز می‌دهند. نوع کنش‌هایی که افراد در مقابل تجربه پدیده هسته‌ای به کار می‌گیرند، به‌مرور خروجی‌هایی را به دنبال دارد که تحت عنوان پیامد از آن‌ها یاد می‌شود. این پیامدها در جدول ۶ بیان شده است.

جدول ۶. پیامدهای شکست عشقی مکرر از دیدگاه دختران و پسران مجرد

مفاهیم	مقوله‌ها	عوامل اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - تلاش برای خودشناسی و تفکر عمیق و به دور از هیجان درمورد رابطه شکست‌خورده - تلاش جهت کسب آمادگی‌های لازم برای ازدواج - روشن‌سازی معیارها و مرزهای ارتباطی خود - احتیاط عقلانی در انتخاب - مشاوره‌گرفتن برای کاهش تنش شکست - مشارکت در فعالیت‌ها و روابط اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> تسهیل‌گرهای انتخاب درست و رابطه عاشقانه متعهدانه 	پیامدهای تجربه شکست عشقی مکرر
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش میل به ارتباط و ترجیح تنهایی - ناتوانی در اعتماد به جنس مخالف 	<ul style="list-style-type: none"> اجتناب مطلق از تعاملات عاشقانه 	
<ul style="list-style-type: none"> - گرایش به روابط متعدد، هیجانی و بی‌هدف - غرق‌شدن در روابط اروتیک یا اعتیاد جنسی 	<ul style="list-style-type: none"> تسهیل‌گرهای انتخاب اشتباه و شکست مجدد رابطه عاشقانه 	

اولین مقوله در این زمینه، تسهیل‌گرهای انتخاب درست و رابطه عاشقانه متعهدانه است. برخی از مصاحبه‌شوندگان پس از شکست عشقی و کنش‌های مثبت و منفی، به این نتیجه رسیدند که برای کاهش تنش و پیشگیری از تکرار شکست باید از خود شناخت بیشتری پیدا کنند. مصاحبه‌شونده ۱۰ (زن ۳۸ ساله) در این زمینه بیان کرد: «من بعد از اینکه رابطه‌ام تموم می‌شه خیلی فکر می‌کنم، کتاب می‌خونم، خیلی می‌رم پیگیری می‌کنم بینم چرا این‌طوری شد. اشکال کارم کجا بود.»

همچنین شکست ارتباطی به‌ویژه شکست‌های مکرر، این واقعیت را برای اغلب مصاحبه‌شوندگان روشن کرده بود که آمادگی لازم (اقتصادی، اجتماعی و عاطفی) را برای دائمی کردن رابطه ندارند. مصاحبه‌شونده ۵ (زن ۲۹ ساله) توضیح داد: «حتی یه سال پیش رفتم پیش مشاور. من به ازدواج فکر نمی‌کردم. راستش رو بخوام بگم، خودم هنوز خودم رو تو اون نقطه نمی‌بینم. منتها وقتی مشاور این حرف‌ها رو زد، یه کم به این سمت کشیده شدیم. بهش فکر کردیم.»

همچنین پس از تجربه شکست عشقی، اغلب مصاحبه‌شوندگان به این واقعیت پی بردند که ضرورت دارد از معیارهای ارتباطی خود آگاهی بیشتری داشته باشند. مصاحبه‌شونده ۴ (مرد ۳۰ ساله) گفت: «در تجربه قبلی شاید ملاک‌هایی که باید در نظر می‌گرفتم نگرفتم و فقط می‌خواستم دوست باشم. باید ملاک‌هام رو دقیق مشخص کنم.» اغلب مصاحبه‌شوندگان، در انتخاب خود بی‌احتیاط و کاملاً هیجانی برخورد می‌کردند و این امر سبب می‌شد پس از شروع رابطه به اشتباه‌بودن آن پی ببرند. این گروه پس از شکست عشقی محتاط‌تر شدند و تأکید داشتند که در شروع روابط بعدی عاقلانه‌تر عمل می‌کنند. مصاحبه‌شونده ۸ (زن ۲۸ ساله) اظهار کرد:

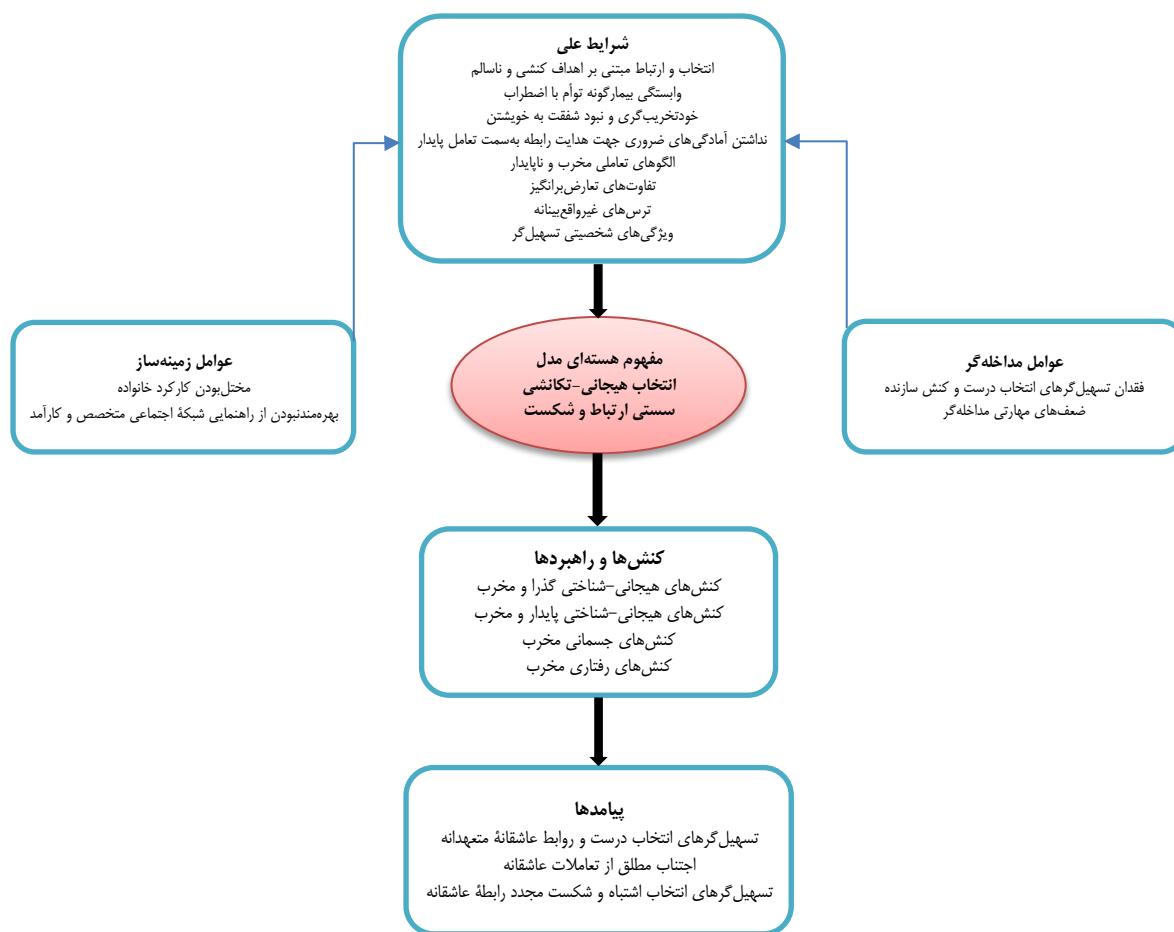
«من فکر می‌کنم باید این‌طوری باشه. اول باید طرف رو بشناسه ببینه به دردش می‌خوره. من تو یه خانواده با یه تربیت دیگه‌م، اون تو یه خانواده با یه تربیت دیگه‌س. آیا به درد هم می‌خوریم؟» از سوی دیگر، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان پس از شکست عشقی، برای تسکین و خودشناسی و یادگیری مهارت‌های لازم برای رابطه سالم با متخصص مشورت کردند. مصاحبه‌شونده ۱ (مرد ۲۶ ساله) در این زمینه بیان کرد: «من وقتی شکست خوردم مشاوره رفتم و خب خیلی مؤثر بود. به نظرم مشاوره کمک‌کننده‌س.» همچنین اغلب مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند که بعد از شکست عشقی، با افزایش تعداد روابط سالم خود به‌ویژه با همجنس‌ها و همچنین مشارکت در تکالیف اجتماعی سعی کردند با تنش کنار بیایند و سازگار شوند. مصاحبه‌شونده ۵ (زن ۲۹ ساله) اظهار کرد: «ورزش هم دارم می‌کنم که بتونم از این اتفاق بیام بیرون واقعاً. ولی خب سخته دیگه. هنوزم سخته؛ یعنی نمی‌دونم تا کی قراره طول بکشه. موسیقی هم گوش می‌دم و سفر هم می‌رم و خوبه.»

مقوله دوم، اجتناب مطلق از تعاملات عاشقانه است. اغلب این افراد بیان کردند که تنهایی و اجتناب از صمیمیت عاطفی مطلوب‌ترین و سازنده‌ترین راه برای داشتن زندگی سالم، امن و آرام است. مصاحبه‌شونده ۲ (زن ۳۵ ساله) در این زمینه بیان کرد: «یه نفر رو تو هلند بهم معرفی کردن. اما علاقه قلبی بهش ندارم. عشقی برای من وجود نداره. همه چیز رو هواست و تمایلی ندارم دیگه بهش.» بی‌اعتمادی به جنس مخالف مفهوم بعدی در این مقوله است. مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که پس از بارها اعتماد به جنس مخالف، اکنون هیچ تمایلی به نزدیک شدن به آن‌ها ندارند. مصاحبه‌شونده ۳ (زن ۳۲ ساله) در این زمینه بیان کرد: «من نه می‌تونم دیگه به کسی اعتماد کنم و نه می‌تونم اعتماد نکنم؛ چون از تکرار این خیانت نگرانم.» مقوله بعدی در این زمینه، تسهیل گره‌های انتخاب اشتباه و شکست مجدد رابطه عاشقانه است. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان با اینکه چندین بار تجربه شکست عشقی داشتند، به‌جای گریز از این روابط، غرق در روابط متعدد، هیجانی و بی‌هدف شدند. مصاحبه‌شونده ۱ (مرد ۲۶ ساله) در جایی دیگر در این زمینه بیان کرد: «الان خیلی بدتر شدم. خیلی بدتر شدم. اینکه با چند نفر باشم و رابطه‌هایی بی‌هدف داشته باشم و وقت‌گذرونی باشه و به قولی لاس‌زدن باشه بی‌تعارف.»

یکی دیگر از پیامدهای مخرب شکست عشقی، غرق کردن خود در روابط اروتیک و صرفاً جنسی است. مصاحبه‌شونده ۱۴ (مرد ۳۱ ساله) در این زمینه بیان کرد: «من رابطه‌هام زیاد بودن و الان هم دیگه خیلی میل ندارم که عشق رو تجربه کنم. رابطه دارم ولی گذراست و فقط برای رفع نیاز جنسی هستش.»

مفهوم هسته‌ای مدل: انتخاب هیجانی-تکانشی، سستی ارتباطی و شکست عشقی

مفهوم هسته‌ای پدیده‌ای است که تمامی ابعاد مدل حول آن شکل می‌گیرند. تمامی عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر شناسایی شده طی این پژوهش، در تعامل با یکدیگر زمینه بروز تجربه هسته‌ای را در مصاحبه‌شوندگان فراهم می‌کنند. تجربه یا مفهوم هسته‌ای شناسایی شده در این پژوهش، انتخاب هیجانی-تکانشی، سستی ارتباط و شکست عشقی است. عوامل علی به‌صورت مستقیم سبب هدایت فرد به سمت انتخاب‌های هیجانی-تکانشی می‌شوند و به این شکل، آن‌ها را وارد رابطه عاشقانه‌ای می‌کنند که هیچ‌گونه عقلانیت و واقع‌نگری در شروع و تداوم آن وجود ندارد. البته باید در نظر داشت که عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر ضمن اینکه در تعیین نوع راهبردها و کنش‌های ابرازی فرد به مفهوم هسته‌ای نقش اساسی و مستقیم دارند، بر عوامل علی و همچنین در شکل‌گیری مفهوم هسته‌ای نیز مؤثرند. در چنین انتخاب‌های اشتباهی، به‌مرور از کیفیت و صمیمیت رابطه کاسته می‌شود، تعارض‌ها شدت می‌یابد و رابطه به سمت سستی و اختلال پیش می‌رود. با چنین وضعیتی میل افراد به تداوم رابطه کاهش پیدا می‌کند و افراد تصمیم به جدایی و انحلال رابطه می‌گیرند. نحوه ارتباط ابعاد مدل پیرامون مفهوم هسته‌ای در شکل ۱ مشاهده می‌شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی شکست عشقی مکرر

۴. بحث و نتیجه‌گیری

۴-۱. بررسی شرایط علی شکست عشقی مکرر

۴-۱-۱. انتخاب و ارتباط مبتنی بر اهداف کنشی و ناسالم

این عامل بیشتر حول محور خلأهای جنسی و عاطفی است. مسائل جنسی یکی از تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر شکست عشقی در پژوهش‌ها بیان شده است. از دیدگاه بوردر و گولدمن^۱ (۲۰۱۳) به بلوغ فکری در ارتباط عاشقانه بسیار مهم است. نرسیدن به این بلوغ موجب می‌شود ارتباط حول محور روابط جنسی شکل بگیرد و قدرت رضایت جنسی به‌مرور در تقویت عشق کمرنگ شود. چنین درنهایت به جدایی زوجین می‌انجامد. از این‌رو تمرکز صرف بر جذابیت جسمی-جنسی در روابط عاشقانه نمی‌تواند کلید موفقیت در این رابطه باشد و موجب پایداری رابطه شود؛ زیرا نیاز جنسی زودگذر است و بعد از مدتی کمرنگ می‌شود و رابطه‌ای که بر این اساس بنا شده باشد، از بین می‌رود. در پژوهش حاضر هم بیشتر مردان به دنبال این امر بودند و دلیل قطع روابط مکرر آن‌ها لذت‌جویی محض و جدی نبودن در رابطه عنوان شده است. این مؤلفه همچنین به ظاهر افراد به‌عنوان یکی از معیارهای انتخاب اشاره دارد. ایستویک و اسمیت^۲ (۲۰۱۸) توضیح دادند که امروزه جذابیت ظاهری به یکی از معیارهای اصلی انتخاب تبدیل شده است. به بیان اویش و همکاران^۳ (۲۰۲۱) نیز معیارهای ظاهری یکی از مهم‌ترین معیارهای انتخاب است، ولی معیار کافی برای تعهد به رابطه عاشقانه نیست. همچنین باید گفت جایگزینی تکانشی و هیجانی در واقع واکنشی به روابط عشقی گذشته است.

1. Broder & Goldman
2. Eastwick & Smith
3. Avilés et al.

از این‌رو بران و اسکلاتر^۱ (۲۰۱۹) معتقدند افراد گاهی از روی عصبانیت از رابطه قبلی وارد رابطه جدید می‌شوند که اغلب این روابط دارای هدف تعیین شده و مشخصی نیست. همچنین اورال و همکاران^۲ (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که خلأهای عاطفی و داشتن احساس منفی از رابطه قبلی، افراد را به رابطه جدید سوق می‌دهد و چه بسا رابطه جدید را همراه با نوعی خصومت می‌کند که این امر موجب شکست در رابطه جدید نیز می‌شود. روابط عاشقانه قبلی می‌تواند تأثیر منفی زیادی بر روابط جدید داشته باشد. به همین سبب باید روابط قبلی به صورت کامل از نظر عاطفی تمام شود و افراد با توشه روابط قبلی وارد رابطه جدید نشوند. این امر به تأثیر انکار و عدم التیام از تنش‌های رابطه قبلی بر شکست‌های عشقی و اثبات خود به خویشتن و به معشوق پیشین نیز تأکید دارد. در این پژوهش، هم مردان و هم زنان نکته اصلی را تمام‌نکردن کامل رابطه قبلی و ندادن زمان به خود برای فراموشی یا التیام زخم‌های جدایی دانستند. از سوی دیگر اثبات خود به خویشتن و به معشوق پیشین به نحوی انتقام از معشوق قبلی است. به سخن بون، علییای و دیویو^۳ (۲۰۱۱) هزینه‌های انتقام از معشوق، بیشتر از مزایای آن است و افرادی که به نحوی درصدد انتقام از معشوق قبلی خود هستند، بیشتر به خود ضربه می‌زنند تا به معشوق قبلی. افرادی که هنوز در فکر رابطه قبلی خود هستند و سعی می‌کنند خود را به معشوق قبلی خود اثبات کنند، هنوز درگیر رابطه قبلی خود هستند و نمی‌توانند فاکتورهای درستی را برای رابطه جدید در نظر بگیرند. همچنین خلأ عاطفی و گریز از تنهایی در افراد سبب می‌شود فقط برای پرکردن آن، وارد رابطه عاشقانه شوند و به سایر جنبه‌های آن توجه نکنند. در این پژوهش، بیشتر زنان به این مقوله اشاره کرده‌اند. برای برخی از مصاحبه‌شوندگان تنهایی قابل تحمل نبود و از این‌رو تصمیم به ارتباط دوباره گرفتند. درواقع رهاشدن از تنهایی عاملی بود که این افراد را به سمت روابط عاشقانه دیگری سوق می‌داد. خلأ عاطفی و گریز از تنهایی سبب می‌شود یکی از طرفین بیش از دیگری خود را درگیر رابطه عاشقانه کند و برخی از خواسته‌های معقول خود را نادیده بگیرد. از دیدگاه ادامسیزک^۴ (۲۰۱۸) ترس از تنهایی سبب می‌شود افراد به هر قیمتی در رابطه عاشقانه بمانند که در برخی موارد موجب افزایش خشونت در روابط عاشقانه می‌شود. این امر به مرور زمان موجب می‌شود افراد در رابطه احساس خوشبختی نکنند، رضایت آن‌ها از رابطه کاهش پیدا کند و درنهایت رابطه عاشقانه پایان یابد.

یکی دیگر از انگیزه‌های نادرست در روابط عاشقانه، حسادت به دوستان و رقابت با آن‌ها است. به سخن لفیور و همکاران^۵ (۲۰۱۵) رقابت با دیگران در روابط عاشقانه تأثیرات منفی بر رابطه عاشقانه می‌گذارد و آن را از بین می‌برد. به نظر آن‌ها رقابت با دوستان همجنس می‌تواند قبل از شکل‌گیری رابطه شروع شود و حتی بعد از شروع رابطه نیز ادامه داشته باشد. از این‌رو می‌توان گفت روابطی که فقط برای اثبات خود به دیگران یا با رقابت‌های پوچ شروع شود، به شکست می‌انجامد که این امر موجب شکست عشقی می‌شود. همچنین ورود عجولانه به روابط با هدف ازدواج، یکی دیگر از هدف‌گذاری‌های اشتباه در روابط عاشقانه است. باید توجه کرد که قبل از شناخت و ایجاد رابطه سالم، افراد نمی‌توانند هدف نهایی یک رابطه را تعیین کنند. درواقع هنگامی که یکی از طرفین فقط به فکر رساندن رابطه به ازدواج است، از سایر خواسته‌های خود چشم‌پوشی می‌کند. همچنین اصرار بیش‌ازحد و فشار آوردن به طرف مقابل برای ازدواج سبب می‌شود احساس رضایت از رابطه کاهش یابد و رابطه کم‌کم به سمت نابودی پیش برود.

۴-۱-۲. وابستگی بیمارگونه توأم با اضطراب

دومین عاملی که در شکست روابط عاشقانه نقش مستقیم دارد، وابستگی بیمارگونه فرد به معشوق و اضطراب ازدست‌دادن او است که موجب ضعف در طرح خواسته‌های منطقی می‌شود و موقعیت را برای سوءاستفاده طرف مقابل فراهم می‌آورد. جاناردهانا و مانجولا^۶ (۲۰۱۷) معتقدند دختران بیشتر علاقه دارند تا رابطه عاشقانه خود را به هر شکل ممکن حفظ کنند که خشونت و ارضانشدن اهداف دختران را در پی دارد و به مرور موجب شکست رابطه می‌شود. وقتی افراد می‌خواهند طرف مقابل را به هر شکلی نگه دارند،

1. Brown & Sclater

2. Overall et al.

3. Boon, Alibhai, & Deveau

4. Adameczyk

5. LeFebvre, Blackburn, & Brody

6. Janardhana & Manjula

از خواسته‌های منطقی خود صرف‌نظر می‌کنند و خواسته‌های غیرمنطقی طرف مقابل را می‌پذیرند. این وضعیت در واقع دل‌بستگی نایمن است که به رابطه سالم ضربه می‌زند و رابطه را به سمت جدایی سوق می‌دهد. در این پژوهش، بیشتر زنان به این مقوله اشاره کرده‌اند.

امروزه قابل‌تصور نبودن نداشتن دوست صمیمی از جنس مخالف در بین جوانان سبب شده است افراد به هر نوع رابطه عاشقانه تن بدهند. این امر به نوعی حسادت و رقابت با دیگران را تصویر می‌کشد؛ به طوری که افراد بدون در نظر گرفتن خصوصیات طرف مقابل و تنها به علت جنسیت شخص، با او رابطه برقرار می‌کنند. از سوی دیگر نیاز شدید به محبت جنس مخالف و بی‌توجهی به چه کسی بودن یا مناسب بودن او نیز به نحوی به خلأ عاطفی در افراد اشاره دارد. این سبک از رابطه نیز دل‌بستگی نایمن را در رابطه تقویت می‌کند و با توجه به نتایج مصاحبه، بیشتر در میان زنان روی داده است. گروهی داشتن رابطه و کسب حمایت عاطفی به هر شکلی را به تنهایی ترجیح می‌دهند و همین امر ورود آن‌ها را به روابط ناسالم افزایش می‌دهد. زنان با هدف جلب محبت از جنس مخالف وارد رابطه‌ای می‌شوند که شاید فرد سایر معیارهای آن‌ها را نداشته باشد یا حتی در برخی موارد مغایر با معیارهای آن‌ها باشد. همین امر موجب یک‌طرفه شدن رابطه و ایجاد تعارض در روابط عاشقانه می‌شود.

۴-۱-۳. انتخاب و ارتباط مبتنی بر اهداف کنشی و ناسالم

خودتخریب‌گری و نداشتن شفقت به خود به معنای ارزش قائل نشدن شخص برای خود است که افراد را وارد روابط عاشقانه نامطلوب می‌کند که پایانی غیر از جدایی ندارد. این امر از عزت‌نفس پایین شخص در رابطه عاشقانه نشئت می‌گیرد. بیشتر زنان در این پژوهش، این مسئله را یکی از عوامل شکست عشقی بیان کرده‌اند. زمانی که فرد ارزشی برای خود قائل نباشد، در برقراری رابطه خواسته‌ها و معیارهای خود را اولویت نمی‌داند. مهربان نبودن با خود نیز یکی از عواملی است که هم مردان و هم زنان به آن اشاره کرده‌اند. مهربانی با خود رابطه‌ای مثبت با عزت‌نفس و سبک دل‌بستگی ایمن دارد. در کل افرادی که با خود مهربان‌اند، پیوندهای عاشقانه بهتر و قوی‌تری دارند. مهربان نبودن با خود به مرور رفتارهای منفی می‌سازد و ممکن است رابطه را به جدایی بکشاند (تاندلر، کروگر و پترسون، ۲۰۲۱). فردی که با خود مهربان است، وارد روابطی نمی‌شود که احتمال شکست در آن وجود دارد و در صورتی که در رابطه آزار ببیند، بی‌درنگ آن را خاتمه می‌بخشد.

قضاوت منفی درباره خود نیز یکی از عوامل مؤثر بر شکست عشقی مکرر است که بیشتر زنان به آن مبتلا هستند و به آن اشاره کرده‌اند. افرادی که قضاوت منفی درباره خود دارند، بسیاری از تنش‌ها و مشکلات رابطه را به خود نسبت می‌دهند و بدون توجه به نقش طرف مقابل، خود را مقصر می‌دانند و همه تلاش خود را برای حفظ طرف مقابل و اصلاح خود به کار می‌گیرند. همچنین افرادی که قضاوت منفی در مورد خود دارند، این منفی‌بافی را به شریک خود نیز انتقال می‌دهند و تفکر او را به خود منفی می‌کنند. از دیدگاه ساپس^۲ (۲۰۲۱) این افراد رضایت از رابطه کمتری از سایرین دارند. غرق کردن خود در رابطه پرخطر، مؤلفه دیگر این مقوله است. باست و موس^۳ (۲۰۰۴) نشان دادند زنان و مردان برای روابط عاشقانه کوتاه‌مدت، روابط پرخطر را ترجیح می‌دهند، ولی فقط زنان به روابط پرخطر به‌عنوان رابطه بلندمدت عاشقانه نگاه می‌کنند. با این تفاوت در نگاه به رابطه، مردان بعد از مدتی سعی در تمام کردن رابطه پرخطر دارند و دختران بیشتر در این زمینه شکست می‌خورند.

آخرین مؤلفه این مقوله، ناجی‌گری مخرب یا امید‌واهی و خودآسیب‌رسان به تغییرپذیری دیگران است. در این حالت، افراد در نقش ناجی طرف مقابل حاضر می‌شوند و سعی در تغییر شخص دارند که نتیجه آن شکست عشقی است. شخصیت فعلی افراد نتیجه سال‌ها زندگی، تجربه و ژنتیک افراد است و نمی‌توان به راحتی آن را تغییر داد. شاید در برهه‌ای از زمان برخی رفتارهای منفی تغییر پیدا کند، ولی تغییر اساس رفتارها که ریشه در شخصیت افراد دارد، دشوار است و افرادی که با این نیت وارد رابطه می‌شوند، بعد از مدتی احساس سرخوردگی می‌کنند که نتیجه آن جدایی است.

۴-۱-۴. نداشتن آمادگی‌های ضروری برای هدایت رابطه به سمت تعامل پایدار

1. Tandler, Krüger, & Petersen
2. Suppes
3. Bassett & Moss

اولین مؤلفه در این مقوله، نداشتن آمادگی اقتصادی است. این مسئله در ایران بیشتر در میان مردان پیش می‌آید و نارضایتی در این زمینه بیشتر از سوی زنان روی می‌دهد. از دیدگاه گاربینسکی و همکاران^۱ (۲۰۲۰) مشکلات مالی به روابط عاشقانه صدمه می‌زند. ناتوانی افراد در برآورده کردن نیازهای اولیه زندگی سبب می‌شود افراد برای ازدواج دودل باشند و ترس از مشکلات اقتصادی به قطع رابطه منجر می‌شود. نداشتن مهارت‌های حفظ و تداوم رابطه مؤلفه دیگر این مقوله است. طرفین یا یکی از آن‌ها، مهارت کافی برای حفظ عشق را ندارند و با رفتارهای مخرب، رابطه را به سمت نارضایتی و درنهایت فروپاشی هدایت می‌کنند. وقتی فرد در چنین رابطه‌ای است و همدلی نمی‌بیند، تمایلش به تداوم رابطه کاسته می‌شود. مؤلفه بعدی این مقوله، تردید در نهایی‌سازی تصمیم به ازدواج و پذیرش مسئولیت رابطه دائمی است. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد بیشتر آن‌ها اگرچه قادر به برقراری رابطه عاشقانه و تداوم آن هستند، به‌هیچ‌وجه آمادگی پذیرش مسئولیت‌های رابطه دائمی و ازدواج را ندارند. برخی فاقد آمادگی اقتصادی و اجتماعی هستند و برخی دیگر نیز از پذیرش مسئولیت‌های رابطه پایدار و تعهد هراس دارند. ترس از مسئولیت‌پذیری با کاهش احتمال تبدیل رابطه عاشقانه به تعامل پایدار، زمینه را برای سستی رابطه و جدایی فراهم می‌کند.

۴-۱-۵. الگوهای تعاملی مخرب و ناپایدار

این مقوله به نوع تعامل افراد و الگوهای ارتباطی آنان در رابطه عاشقانه اشاره دارد. اولین مؤلفه در این مقوله، روابط بازیگرانه و حيله‌ورزانه است. همچنین به دورویی و پنهان‌کاری و خیانت در رابطه عاشقانه اشاره دارد که روشن است هیچ رابطه‌ای با این عنصر پایدار نمی‌ماند. عنصر مهم این مؤلفه، دروغ‌گویی و بی‌اعتمادی مهم‌ترین پیامد آن است. به بیان واترلاوس و همکاران^۲ (۲۰۱۸) شبکه‌های اجتماعی و فناوری سبب شده است در روابط عاشقانه بیش از گذشته دروغ و دورویی وجود داشته باشد. میلر و پوستون^۳ (۲۰۲۰) نیز به دروغ‌گویی و خیانت به‌عنوان نیمه تاریک یک رابطه عاشقانه اشاره می‌کنند و وجود آن را پایان یک رابطه می‌دانند. مؤلفه بعدی در این زمینه روابط سلطه‌گر-سلطه‌پذیر است. این امر نشانه مشکل در رابطه است. در رابطه سالم، اصل اساسی، برابری زن و مرد است. رابطه‌ای که یک طرف سلطه‌جو و طرف دیگر سلطه‌پذیر باشد سالم نیست و درنهایت فرومی‌پاشد. به بیان سادیکاج، ماسکویتز و زاروف^۴ (۲۰۱۷) افراد سلطه‌جو نمی‌توانند روابط پایدار ایجاد کنند؛ زیرا آزادی‌های فردی و رفتاری شخص را از بین می‌برند یا آن‌ها را محدود می‌کنند. روابط سلطه‌گر-سلطه‌پذیر در رابطه عاشقانه سبب می‌شود یک طرف رابطه همواره ناراضی باشد. مؤلفه بعدی، روابط مبتنی بر تعقیب-گریز است. این شکل از رابطه بر اصرار یک شخص به ادامه و بی‌اعتنایی طرف دیگر به ادامه رابطه تأکید دارد. در این حالت، شخص از حضور دیگری همواره مطمئن است. حالت تعقیب و گریز در رابطه نشانه بیماری‌بودن رابطه و جدایی حاصل آن است.

۴-۱-۶. تفاوت‌های تعارضی برانگیز

از مؤلفه‌های این مقوله، نگرش متفاوت به زندگی و تفاوت در سبک زندگی است. نگرش به زندگی، یکی از مهم‌ترین معیارها در رفتارهای فرد در زندگی است که بر سبک زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. برای داشتن رابطه پایدار ابتدا باید دو طرف نگرش همسو به کلیت زندگی باشند و سبک زندگی تقریباً یکسانی داشته باشند. ناهمسانی زن و مرد و خانواده‌هایشان از لحاظ دینداری، آداب و رسوم، زبان و گویش، محل و سبک زندگی، یکی از مهم‌ترین موارد افتراقی است که موجب ایجاد اختلال در روابط می‌شود. در این مقوله، دو مؤلفه تفاوت خانواده‌ها با یکدیگر و اختلاف والدین دو طرف با همدیگر نیز وجود دارد. این دو مؤلفه با هم رابطه مستقیم دارند. تفاوت خانواده‌های اولیه موجب اختلاف بین آن‌ها می‌شود. باید توجه کرد تصور رابطه عاشقانه مستقل از خانواده‌ها دشوار است و خانواده‌های دو طرف در حال در رابطه افراد تأثیر زیادی دارند. خانواده اولیه و طبقه اجتماعی مشترک به زوجین کمک می‌کند تا رابطه عاشقانه محکمی داشته باشند و نبود آن مشکلات جدی در رابطه ایجاد می‌کند. از سوی دیگر تفاوت در نگرش به هدف رابطه، از مؤلفه‌های این مقوله است؛ زیرا افراد با خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی وارد رابطه عاشقانه می‌شوند. البته

1. Garbinsky et al.

2. Vaterlaus et al.

3. Miller & Poston

4. Sadikaj, Moskowitz, & Zuroff

این امر به خودی خود موجب شکست رابطه عاشقانه افراد نمی‌شود. چیزی که رابطه را به شکست می‌کشاند، بیان نکردن هدف اصلی ایجاد رابطه در ابتدای برقراری آن است.

۴-۱-۷. ترس‌های غیرواقع‌بینانه

ترس‌های غیرواقع‌بینانه مقوله‌ای دیگر از عوامل علی شکست عشقی مکرر است. ترس از رهاشدگی و طردشدن اولین مؤلفه در این مقوله است. این ترس موجب می‌شود افراد نتوانند از یک رابطه خوب لذت ببرند و آن را حفظ کنند؛ زیرا با دیدن اولین نشانه‌های مشابه با ترس‌هایشان، به سرعت نتیجه‌گیری می‌کنند و با این قضاوت زود هنگام، رابطه را به ناپودی می‌کشاند. مؤلفه دوم ترس از اعتماد کردن است. افرادی که از اعتماد آن‌ها سوءاستفاده شده است، یک حصار نامرئی به دور خود می‌کشند و به سختی شخصی را به داخل حصار خود راه می‌دهند. این افراد اغلب با شکست در زندگی عاشقانه روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا نمی‌گذارند شریک آن‌ها به آن‌ها از نظر روحی و روانی نزدیک شود (ماسالند و هولی، ۲۰۲۰). از این‌رو ترس از اعتماد کردن، هم مانع رابطه جدید می‌شود و هم صمیمیت رابطه را دچار مشکل می‌کند. ترس از شکست موجب تعارض در روابط عاشقانه می‌شود. این ترس اغلب در کسانی روی می‌دهد عاشقانه قبلی نشئت می‌گیرد. ترس از شکست موجب تعارض در روابط عاشقانه می‌شود. این ترس اغلب در کسانی روی می‌دهد که ضربه سنگینی از روابط قبلی خود خورده‌اند و تبعات قطع رابطه برای آن‌ها بسیار سنگین بوده است. از این‌رو تمایلی برای ایجاد رابطه جدید ندارند و در صورتی که رابطه جدید برقرار کنند این ترس همراه آن‌ها است و در تعاملات روزمره آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

۴-۱-۸. ویژگی‌های شخصیتی تسهیل‌گر

آخرین مقوله عوامل علی شکست عشقی مکرر، ویژگی‌های شخصیتی تسهیل‌گر است. از مؤلفه‌های این مقوله ترکیبی از برون‌گرایی و هیجان‌خواهی مفرط است. ایجاد روابط اجتماعی زیاد و سطحی، از ویژگی‌های این افراد است. ایجاد روابط متعدد و حساسیت به داشتن حداقل یک رابطه عاشقانه موجب شده است این افراد بدون در نظر گرفتن سایر جنبه‌های رابطه عاشقانه وارد رابطه‌های مکرر شوند. تکرار این عمل موجب شده که روابط هیچ‌وقت جنبه جدی برای آن‌ها پیدا نکند و هدف از ایجاد رابطه، درست نباشد. مؤلفه بعدی اعتماد ساده‌لوحانه است. اعتماد بدون پشتوانه و شکستن اعتماد توسط طرف مقابل سبب از بین رفتن رابطه و ایجاد ترس از اعتماد و صمیمیت در افراد می‌شود. اعتماد ساده‌لوحانه به طرف مقابل اجازه می‌دهد کنترل رابطه را از دست شخص خارج کند. به این ترتیب رابطه به میل یکی از طرفین پیش می‌رود که در بلندمدت تعارض ایجاد می‌کند. مؤلفه بعدی در این مقوله سلطه‌پذیری زیاد است. سلطه‌پذیری زیاد از عزت‌نفس و اعتماد به نفس پایین سرچشمه می‌گیرد؛ به طوری که فرد در رابطه حقی برای خود قائل نمی‌شود و وارد روابط اشتباه می‌شود که پایان آن جدایی است. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بیان کردند که در وهله اول در بیشتر موارد به طرف مقابل امتیازهایی داده‌اند که موجب سلطه‌گری آن‌ها شده است و برخی نیز با ازدست‌دادن عزت‌نفس، زمینه سلطه را در شخص مقابل فراهم آورده‌اند. در هر حال سلطه‌گری از هر جهت که ایجاد شده باشد، موجب پر خاشگیری شخص سلطه‌جو در گذر زمان می‌شود و رابطه را به جدایی سوق می‌دهد. وجدان‌گرایی اندک مؤلفه دیگر این مقوله است که سبب می‌شود فرد به تأثیراتی که بر طرف مقابل می‌گذارد بی‌اعتنا باشد و تنها به هدف خود بیندیشد. با وجدان‌گرایی اندک، هدف یک طرف رابطه، مسائل زودگذر مانند ارضای جنسی یا استفاده جنسی یا استفاده از موقعیت فرد برای هدفی خاص و از این دست موارد است.

۴-۲. بررسی عوامل زمینه‌ساز شکست عشقی مکرر

۴-۲-۱. مختل بودن کارکرد خانواده

در دوران کودکی می‌توان نگرش و ارزش والدین را به کودک منتقل کرد. در این مدت، خودپنداره آن‌ها شکل می‌گیرد و می‌توانند به شدت تحت تأثیر والدین قرار گیرند. آن‌ها می‌توانند مهارت‌هایی را کسب کنند که پایه و اساس یادگیری در دوران کودکی است (سلتالی و ایمیر، ۲۰۱۸)؛ بنابراین خانواده می‌تواند رشد اجتماعی و روابط عاشقانه فرزندان را بسیار تحت تأثیر قرار دهد. پرورش

روابط در خانواده برای رشد سالم کودک بسیار مهم است. در این راستا داشتن نظارت کافی و مناسب می‌تواند موجب شود رابطه عاشقانه فرزندان از چارچوب مدنظر خانواده خارج نشود و در حیطه هنجارهای اجتماعی و خانوادگی قرار بگیرد. با کمبود این نقش نظارتی، جوانان بی‌تجربه وارد روابط ناپایدار می‌شوند. مؤلفه بعدی این مقوله سلطه‌گری بیش‌ازحد در محیط خانواده است که موجب می‌شود افراد در روابط عاشقانه خود سلطه‌پذیر شوند. در واقع سلطه‌گری بیش‌ازحد در محیط خانواده، عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس افراد را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود افراد نقش سلطه‌پذیر را در رابطه عاشقانه خود بازی کنند که این امر به جدایی می‌انجامد. ترس از گرفتن راهنمایی از والدین در زمینه انتخاب و مدیریت رابطه و عدم تمایل به مشورت با آن‌ها مؤلفه بعدی این مقوله است. این مؤلفه از فرهنگ سنتی ایران بیرون می‌آید. در فرهنگ سنتی، جایی برای روابط عاشقانه به‌جز ازدواج وجود ندارد و همین امر سبب می‌شود نوجوانان روابط عاشقانه خود را کمتر با خانواده در میان بگذارند و به سایر گزینه‌ها مانند همسالان و شبکه‌های اجتماعی یا گروه‌های همفکر پناه ببرند که در اغلب موارد راهنمایی آن‌ها به‌علت تفاوت فرهنگی و اجتماعی یا نداشتن تجربه نادرست و نامناسب است.

مؤلفه بعدی در این مقوله، دریافت‌نکردن محبت و توجه کافی در محیط خانواده است که افراد را برای جلب‌توجه و محبت وارد رابطه عاشقانه می‌کند. از دیدگاه فلوید^۱ (۲۰۱۸) روابط بر پایه کمبود محبت، روابط سالمی نیستند و بعد از مدتی به روابط یک‌طرفه و خواهشی تبدیل می‌شوند. کمبود محبت سبب حساسیت به طردشدگی در روابط عاشقانه می‌شود و تأثیرات منفی زیادی بر رابطه عاشقانه بر جای می‌گذارد. مؤلفه بعدی در این مقوله اختلاف‌نظر و تعارض زیاد با خانواده است. تعارض با خانواده بیشتر بر زنان تأثیرگذار است تا مردان و موجب افسردگی بیشتر در زنان می‌شود (روتنبرگ، هاسونگ و چاسین^۲، ۲۰۱۸). تعارض در خانواده موجب می‌شود نوجوانان زودتر از آنچه نیاز باشد به‌سمت روابط عاشقانه بروند و در برقراری رابطه عجله کنند. مؤلفه آخر این مقوله عدم تمایز یافتگی از والدین و خانواده است. جدانشدن از والدین و خانواده اولیه و وابستگی به آن‌ها سبب می‌شود افراد نتوانند استقلال را در رابطه عاشقانه خود حفظ کنند و از این‌رو رابطه عاشقانه آن‌ها با شکست مواجه می‌شود. تمایز یافتگی از والدین به این امر اشاره دارد که روابط انسانی از دو نیروی متضاد که عامل تعادل در زندگی‌اند، مشتق می‌شود: تمایل به فردیت و استقلال در مقابل تمایل به دلبستگی و صمیمیت با دیگران. در واقع تمایز یافتگی به معنای رسیدن به حدی از استقلال عاطفی است که فرد بتواند در موقعیت‌های هیجانی بدون غرق‌شدن در جو عاطفی آن موقعیت‌ها، به‌صورت عقلانی تصمیم‌گیری کند. تمایز یافتگی پایین به عدم جدایی از خانواده ابتدایی اشاره دارد. این عدم استقلال موجب دخالت والدین و همچنین عدم پختگی طرفین در رابطه و درنهایت شکست می‌شود.

۴-۲-۲. بهره‌مند نبودن از راهنمای شبکه اجتماعی متخصص و کارآمد

مؤلفه اول این مقوله نداشتن حمایت اطلاعاتی از جانب والدین است. هنگامی که افراد آموزش‌ها و حمایت‌های لازم را از خانواده دریافت نکنند، به‌ناچار به‌سمت سایر گروه‌های اجتماعی از قبیل همسالان و شبکه‌های اجتماعی می‌روند. اطمینانی به این منابع اطلاعاتی وجود ندارد و دریافت اطلاعات نادرست موجب می‌شود افراد به‌اشتباه وارد رابطه شوند. مشورت‌نکردن با متخصص مؤلفه بعدی این مقوله است. داشتن مشاور خوب در روابط عاشقانه می‌تواند در بهبود رضایت از روابط عاشقانه کمک شایانی کند؛ درحالی‌که هنوز کمک‌گرفتن از مشاور در جامعه ما رواج ندارد و افراد تمایل ندارند که تا وقتی مشکلی حاد نشده، از متخصص کمک بگیرند. نداشتن دوستان واقع‌بین یا عدم تمایل به مشورت با آن‌ها نیز مؤلفه بعدی این مقوله است. دوستان تأثیر زیادی بر زندگی افراد دارند و اگر دایره دوستان فرد را افراد واقع‌بین و منطقی تشکیل دهند، تأثیر زیادی در کیفیت روابط عاطفی او دارند.

۴-۳. بررسی عوامل مداخله‌گر شکست عشقی مکرر

۴-۳-۱. نبود تسهیل‌گرهای انتخاب درست و کنش‌سازنده

از مؤلفه‌های این مقوله به بینش ضعیف به خود، خواسته‌ها و معیارهای ارتباطی خود (خودآگاهی) می‌توان اشاره کرد. لازمه ارتباط

1. Floyd

2. Rothenberg, Hussong, & Chassin

موفق خودآگاهی است. آگاهی از معیارها و حدودمرزها لازمه داشتن انتخاب و ارتباط موفق است. قبل از شروع ارتباط عاشقانه، ضرورت دارد فرد بینش جامعی به خود، خواسته‌ها، نیازها، آمال و در کل اولویت‌های خود داشته باشد. در چنین حالتی است که می‌تواند طرف مقابل را دقیقاً و واقع‌بینانه انتخاب کند. با این حال بسیاری از افرادی که شکست عشقی را تجربه می‌کنند، فاقد چنین خودآگاهی و بینشی هستند. این گروه حتی نمی‌دانند برای چه چیز وارد رابطه شده‌اند یا دوست دارند طرف مقابل چه ویژگی‌هایی داشته باشد. مؤلفه بعدی در این مقوله نداشتن دوراندیشی و پیامدسنجی بسیار ضعیف است که سبب می‌شود افراد در تصمیمات کلیدی رابطه عاشقانه خود، تأثیر تصمیمات خود را به درستی درک نکنند و در آینده با شکست رابطه عاشقانه مواجه شوند. این مؤلفه بیشتر بر تصمیمات در شروع رابطه تمرکز دارد. مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که از همان ابتدا تصمیمات اشتباه برای شروع رابطه گرفته‌اند، مانند واردشدن به رابطه با افراد متأهل، برقراری رابطه‌ای که بعد از مدتی شخص قصد مهاجرت دارد و... . مؤلفه بعدی در این مقوله نداشتن انعطاف در نداشتن یک رابطه عاشقانه است. افرادی که شکست‌های عشقی مکرر را تجربه کرده‌اند، نداشتن رابطه بد و نامناسب را به نداشتن آن ترجیح می‌دهند و نداشتن رابطه عاشقانه برای آن‌ها محال است. نداشتن قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری، دیگر مؤلفه این مقوله است. در این مؤلفه بیشتر مصاحبه‌شوندگان به نداشتن تحلیل درست از شرایط و طرف مقابل در زمان خود اشاره کردند. درواقع نداشتن قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری سبب شده است افراد تصمیمات درست را در زمان خود نگیرند که این امر موجب جدایی دو طرف در رابطه عاشقانه می‌شود.

۴-۳-۲. ضعف‌های مهارتی مداخله‌گر

مقوله دوم در زمینه عوامل مداخله‌گر شکست عشقی مکرر، ضعف‌های مهارتی مداخله‌گر است. اولین مؤلفه این مقوله نداشتن نگاه واقع‌بینانه و ایدئال‌گرایی است. افرادی که واقعیت‌ها را درمورد طرف مقابل نمی‌بینند، بعد از مدتی که با شخصیت اصلی او مواجه می‌شوند، از رابطه ناامید می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهد یکی از خطرناک‌ترین عواملی که رضایت زناشویی و پایداری آن را نابود می‌کند این است که افراد با انتظارات و عقاید غیرمنطقی، ایدئال‌گرایانه و عاشقانه وارد ازدواج می‌شوند (رجبی، جوکار و علیمردادی، ۱۳۹۷). چنین افرادی بیشتر مستعد تجربه سرخوردگی حاد هستند. مؤلفه بعدی این مقوله ضعف در تنظیم و مدیریت هیجان است. این عامل درواقع به هوش هیجانی در روابط عاشقانه اشاره دارد. نداشتن مهارت کافی در تنظیم و مدیریت هیجان موجب عدم استفاده کامل از توانایی‌ها و استعدادها فردی و بروز مشکل در روابط بین‌فردی می‌شود. داشتن تنظیم و مدیریت هیجان موجب می‌شود افراد در روابط عاشقانه دچار تصمیمات احساسی نشوند، ولی با ضعف در تنظیم و مدیریت هیجان، افراد در تصمیمات خود اشتباه می‌کنند و روابط بین‌فردی خود را با مشکل مواجه می‌سازند.

۴-۴-۱. بررسی کنش‌های (راهبردهای) شکست عشقی مکرر

۴-۴-۱. کنش‌های هیجانی-شناختی گذرا و مخرب

کنش‌های هیجانی-شناختی گذرا و مخرب دارای تأثیرات مخرب بر فرد است، ولی با گذر زمان از میزان آن کاسته می‌شود. اولین مؤلفه این مقوله احساس شرم است. احساس شرم اغلب از تصویر اغراق‌آمیز و توهم‌آمیز در ابتدای رابطه عاشقانه نشئت می‌گیرد. بعد از شکست عشقی به علت تصویری که از ابتدای رابطه در ذهن وجود داشته و حال خلاف آن تصویر زیبای اولیه نمایان شده است، به افراد احساس شرم دست می‌دهد. افراد برای فرار از احساس شرم به سرعت وارد رابطه جدید می‌شوند و تنش را به رابطه جدید نیز می‌برند. احساس شرم بیشتر به علت احساس شکست و بی‌پناهی شکل می‌گیرد که مؤلفه‌های بعدی در این مقوله است. احساس شکست بیشتر در افرادی دیده می‌شود که تنها گذاشته شده‌اند و تمام‌کننده رابطه نبوده‌اند. بعد از اتمام یک رابطه عاشقانه، فرد احساس تنهایی می‌کند. خلأ عاطفی و گریز از تنهایی در افراد سبب می‌شود فقط برای پرکردن آن وارد رابطه عاشقانه شوند و به سایر جنبه‌های آن توجه نکنند. از این‌رو احساس تنهایی، هم یکی از اثرات شکست عشقی است و هم یکی از عوامل آن. از سوی دیگر خودسرزنی نیز بعد از شکست در روابط عاشقانه به وجود می‌آید و پشت سر گذاشتن سوگ را سخت‌تر می‌کند. درواقع در خودسرزنی افراد به دنبال راهی برای جبران اشتباهات خود هستند، ولی دیگر زمانی برای جبران اشتباهاتشان نمی‌بینند. کنش بعدی در این مقوله، افسردگی است. افسردگی‌ای که بعد از پایان رابطه عاطفی پیش می‌آید، اختلال ناسازگاری با حالت افسردگی

تشخیص داده می‌شود که به آن، افسردگی موقعیتی نیز می‌گویند. این احساسات معمولاً در عرض شش ماه برطرف می‌شود، ولی در حالت حاد ممکن است زندگی شخص را تحت تأثیر قرار دهد. کنش بعدی در این مقوله، احساس ضعف و ناتوان‌انگاری است. این احساس سبب می‌شود افراد حوصله هیچ فعالیتی نداشته باشند و نتوانند به روند زندگی روزمره خود بازگردند. این عامل در اثر ضربه شدید روحی بعد از جدایی در افراد ایجاد می‌شود و بیشتر افرادی که از این مؤلفه سخن گفتند، جدایی سختی داشتند.

۴-۴-۲. کنش‌های هیجانی-شناختی پایدار و مخرب

این کنش‌ها از بین نمی‌روند و برعکس به مرور زمان بر شدت آن‌ها افزوده می‌شود. بی‌اعتمادی و بدبینی، دلمردگی، احساس بی‌ارزشی و طردشدگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این مقوله است. بی‌اعتمادی حاصل از شکست عشقی در شخص ماندگار است و به روابط بعدی نیز منتقل می‌شود. هنگامی که بی‌اعتمادی در فرد رخنه می‌کند، به تدریج به همه حرکات و مسائل با بدبینی نگاه می‌کند. این بدبینی گاهی به قضاوت زود هنگام و نابودی رابطه منجر می‌شود. مؤلفه بعدی در این مقوله دلمردگی است. منظور از دلمردگی، بی‌میلی عمیق به پیوندهای عاشقانه و تجربه مجدد آن است که از تأثیر نامطلوب رابطه قبلی ایجاد می‌شود. افرادی که دلمرده شده‌اند، وارد شدن آن‌ها به رابطه عاشقانه به دلایلی غیر از عشق صورت می‌پذیرد و در رابطه جدید دلبستگی نایمن دارند (کالاسی و همکاران^۱، ۲۰۲۰). بعد از دلمردگی، مؤلفه بعدی احساس بی‌ارزشی است که طی شکست‌های عشقی مکرر به وجود می‌آید و عزت‌نفس و اعتماد به نفس افراد را تضعیف و آن‌ها را دچار احساس بی‌ارزشی می‌کند. احساس بی‌ارزشی با توجه به تأثیراتی که بر شخص می‌گذارد و با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، از رابطه‌ای به رابطه دیگر تقویت می‌شود.

۴-۴-۳. کنش‌های جسمانی مخرب

یکی دیگر از کنش‌های افراد به تجربه شکست عشقی، کنش‌های جسمانی مخرب است. مختل شدن اشتها، کندی جسمانی و حرکتی و سردرد، سه نوع کنش اصلی افراد است که با شکست عشقی بروز دادند. ماتا و همکاران^۲ (۲۰۱۸) به ازدست‌دادن وزن افراد بعد از جدایی اشاره می‌کنند. ماتو و اشی^۳ (۲۰۱۲) نیز ازدست‌دادن اشتها بعد از جدایی را یکی از کنش‌های آن می‌دانند. می‌توان گفت تمامی اعضا چنین کنش‌هایی را به‌ویژه در بدو شکست عشقی بروز داده بودند. البته مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که کنش‌های جسمانی اغلب ماندگار نبوده و بعد از مدتی افراد به حالت عادی بازگشته‌اند.

۴-۴-۴. کنش‌های رفتاری مخرب

مصاحبه‌شوندگان در برخورد با تجربه شکست عشقی، کنش‌های رفتاری مخرب نیز بروز می‌دادند. گریه کردن، مصرف دارو برای تسکین ناراحتی و همچنین بعضاً رفتارهای تکانشی و در نهایت گوشه‌گیری از جمله کنش‌های رفتاری مصاحبه‌شوندگان بود؛ کنش‌هایی که نه تنها تأثیری در بهبود وضعیت نداشت، بلکه زمینه را برای تشدید ناراحتی‌های حاصل از شکست عشقی نیز فراهم می‌کرد. این کنش‌های رفتاری نتیجه شوکی است که از جدایی به افراد وارد می‌شود. در واقع این افراد برای بروز خشمی که از جدایی رابطه عشقی نصیب آن‌ها شده است، رفتارهای مختلفی دارند. گریه کردن، مصرف داروهای آرام‌بخش و پرخاشگری نمودهای گوناگون این خشم هستند. در حال این کنش‌های رفتاری باید با کمترین پیامد منفی مدیریت شود. گوشه‌گیری نیز مانند سایر کنش‌ها منفی و مخرب است و نقشی در تسکین تنش ندارد. باین‌حال شدت شوک در اغلب افراد به حدی است که تمایلشان به هر شکل از تعامل برای مدتی کاسته می‌شود و انزوا را ترجیح می‌دهند.

۴-۵. بررسی پیامدهای شکست عشقی مکرر

۴-۵-۱. تسهیل‌گرهای انتخاب درست و رابطه عاشقانه متعهدانه

برخی از مصاحبه‌شوندگان که با استفاده از تجارب پیشین، رابطه عاشقانه خود را بهبود بخشیدند، از مؤلفه‌های گوناگونی کمک گرفتند که در ادامه توضیح داده می‌شود. اولین مؤلفه خودشناسی است؛ به طوری که افراد خود را بشناسند، نیازهای خود را شناسایی

1. Callaci et al.
2. Mata et al.
3. Mattoo & Ashai

کنند و با تفکری عمیق و به دور از هیجان، هدف درستی انتخاب کنند. مؤلفه بعدی کسب آمادگی‌های لازم برای ازدواج و شامل ایجاد پایه‌های فکری و عملی لازم برای برقراری رابطه بلندمدت و ازدواج است. افرادی که غایت آن‌ها از رابطه عاشقانه ازدواج است، باید پیش‌نیازهای ازدواج موفق را فراهم آورند و سپس به سمت رابطه را آغاز کنند. مؤلفه بعدی روشن کردن معیارها و مرزهای ارتباطی است که به فرد کمک می‌کند خواسته‌ها و انگیزه‌های خود در رابطه را شناسایی و در جهت آن حرکت کنند. افراد با کسب تجربه از روابط قبلی خود، معیارها و شاخص‌های مناسبی هم برای خود، هم برای طرف مقابل و هم برای مرزهای رابطه تعیین می‌کنند تا اشتباهات قبلی تکرار نشود.

مؤلفه بعدی احتیاط عقلانی در انتخاب است که در شروع رابطه رخ می‌دهد. بیشتر افراد به آشنایی قبل از ایجاد رابطه عاشقانه تأکید دارند و با توجه به شکست در روابط قبلی خود ترجیح می‌دهند ابتدا شناخت مناسبی حاصل شود و سپس رابطه را آغاز کنند. مؤلفه بعدی مشاوره گرفتن برای کاهش تنش شکست است. مصاحبه‌شوندگان به این نتیجه رسیدند که در تلاش برای ایجاد رابطه مناسب باید از متخصص کمک گرفت. مشاوره گرفتن می‌تواند در خودآگاهی، بینش به چرایی و چگونگی شکست عشقی و همچنین ورود به رابطه سازنده و متعهدانه نقش مؤثری داشته باشد. مؤلفه بعدی مشارکت در فعالیت‌ها و روابط اجتماعی است. ارتباط با همجنس و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، ورزشی، تفریحی و... به بهبود زخم‌های حاصل از روابط شکست‌خورده و ایجاد فرصت‌های سالم جدید کمک می‌کند. داشتن تجربه مشترک و داشتن هم‌صحبت، کلیدی‌ترین نکته در این قسمت است که مصاحبه‌شوندگان به آن تأکید داشتند.

۴-۵-۲. اجتناب مطلق از تعاملات عاشقانه

تجربه شکست عشقی و تنش‌های ناشی از آن، پیامدهای مخرب و گسترده‌ای نیز داشت که سلامت و کارکرد این گروه را در بعد ارتباطی به طور کامل مختل کرده بود. شوک ناشی از شکست سبب شد افراد به روابط بین‌فردی به‌ویژه رابطه عاشقانه بدبین و بی‌میل شوند و از ورود به تعامل عاشقانه جدید هراس داشته باشند. پیامدهای این تصمیم در دو مؤلفه نمایان شد: اول کاهش میل به ارتباط پایدار و ترجیح تنهایی بود که افراد با توجه به نتایج سخت شکست عشقی سعی می‌کنند دیگر رابطه عاشقانه برقرار نکنند. دوم بی‌اعتمادی به جنس مخالف که نتیجه کلی شکست عشقی این گروه است که اثر هاله‌ای برای یک جنسیت می‌سازد و سبب پیش‌داوری در مورد رفتار افراد می‌شود.

۴-۵-۳. تسهیل گره‌های انتخاب اشتباه و شکست مجدد رابطه عاشقانه

این گروه، دیگر اهداف بلندمدت در روابط خود ندارند و به روابط زیاد و سطحی بسنده می‌کنند. اولین مؤلفه گرایش به روابط متعدد، هیجانی و بی‌هدف است. ایجاد روابط زیاد و سطحی در میان این افراد، راهی برای فراموشی شکست است و بنابراین روابط متعدد و موازی را انتخاب می‌کنند. غرق شدن در روابط اروتیک یا اعتیاد جنسی مؤلفه بعدی این مقوله است که نتیجه آن بدتر شدن شرایط روحی و روانی افراد است.

۵. پیشنهادی کاربردی

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: ۱. سیستم آموزشی کشور، به آموزش مناسب دخترها و پسرها در این زمینه بپردازد تا از صدمات روحی و روانی به قشر نوجوان و جوان کشور جلوگیری شود؛ ۲. دختران و پسران مجرد قبل از ورود به رابطه، در طول رابطه و پس از آن حتماً از تخصص یک مشاور کارآمد بهره بگیرند؛ ۳. برای ورود به رابطه عاشقانه ابتدا به شناخت خود، نیازها و هدف خود از رابطه بپردازند؛ ۴. قبل از شروع رابطه عاشقانه ابتدا شناخت کافی از طرف مقابل به دست بیاورند؛ ۵. با توجه به اهمیت مهارت‌های مدیریت رابطه، این مهارت‌ها را کسب کنند؛ ۶. خانواده‌ها در این زمینه نقش حمایتگرانه داشته باشند.

منابع

آسایش، م.، قاضی‌نژاد، ن.، و باهنر، ف. (۱۳۹۹). تبیین واکنش‌های عاطفی دختران با نشانگان شکست عشقی: مطالعه‌ای کیفی. نشریه

فرهنگی و تربیتی زنان و خانواده. ۱۵(۵۳)، ۱۵۴-۱۲۵.

- اکبری، ا.، خاتجانی، ز.، پورشریفی، ح.، محمودعلیلو، م.، و عظیمی، ز. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی درمان تحلیل رفتار متقابل با درمان شناختی-رفتاری در بهبود علائم مرضی شکست عشقی دانشجویان. *مجله روان‌شناسی بالینی*. ۳(۱۵)، ۱۰۱-۸۷.
- تکلی، س.، و رضانی، م. (۱۳۹۸). مقایسه شکست عاطفی و صفات سه‌گانه تاریک شخصیت در زنان با و بدون آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد*. ۱۳(۵۳)، ۳۰۰-۲۸۵.
- رجبی، س.، جوکار، م.، و علیمزادی، خ. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان شناختی و رفتاری گروهی متمرکز بر آسیب در کاهش نشانگان ضربه عشق. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*. ۱(۱)، ۹۶-۷۹.

References

- Adamczyk, K. (2018). Direct and indirect effects of relationship status through unmet need to belong and fear of being single on young adults' romantic loneliness. *Personality and Individual Differences, 124*, 124-129. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.12.011>
- Akbari, E., Khanjani, Z., Poursharifi, H., Mahmoud-Alilou, M., & Azimi, Z. (2012). Comparative efficacy of transactional analysis versus cognitive behavioral therapy for pathological symptoms of emotional breakdown in students. *Journal of Cilinical Psychology, 3*(15), 87-101. (in Persian) <https://doi.org/10.22075/jcp.2017.2100>
- Asayesh, M. H., Ghazinejad, N., & Bahonar, F. (2020) Explanation of the Emotional Reactions of Girls with Love Trauma Syndrome: A Qualitative study. *The Women and Families Cultural-Educational Journal, 15* (53), 125-154. (in Persian)
- Avilés, T. G., Burriss, R. P., Weidmann, R., Bühler, J. L., Wünsche, J., & Grob, A. (2021). Committing to a romantic partner: Does attractiveness matter? A dyadic approach. *Personality and Individual Differences, 176*, 110765. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.110765>
- Bassett, J. F., & Moss, B. (2004). Men and women prefer risk takers as romantic and nonromantic partners. *Current Research in Social Psychology, 9*(10), 135-144.
- Belu, C. F., Lee, B. H., & O'Sullivan, L. F. (2016). It hurts to let you go: Characteristics of romantic relationships, breakups and the aftermath among emerging adults. *Journal of Relationships Research, 7*, e11. <https://doi.org/10.1017/jrr.2016.11>
- Boon, S. D., Alibhai, A. M., & Deveau, V. L. (2011). Reflections on the costs and benefits of exacting revenge in romantic relationships. *Canadian Journal of Behavioural Science, 43*(2), 128-137. <https://doi.org/10.1037/a0022367>
- Brenner, R. E. (2015). *Adjustment to the dissolution of a romantic relationship: effects of ex-relationship specific thought content valence*. Graduate Theses and Dissertations, Master of Science in Psychology, Department of Psychology, Iowa State University. <https://doi.org/10.31274/etd-180810-4230>
- Broder, M. S., & Goldman, A. (2013). The role of maturity in the cognitions that govern love relationships and sexual satisfaction. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy, 31*(2), 75-83. <https://doi.org/10.1007/s10942-013-0159-y>
- Brown, J., & Sclater, S. D. (2019). Divorce: A psychodynamic perspective. In *Undercurrents of divorce* (pp. 145-160). London: Routledge.
- Callaci, M., Péloquin, K., Barry, R. A., & Tremblay, N. (2020). A dyadic analysis of attachment insecurities and romantic disengagement among couples seeking relationship therapy. *Journal of Marital and Family Therapy, 46*(3), 399-412. <https://doi.org/10.1111/jmft.12422>
- Chapman, H. M. (2011). Love: a biological, psychological and philosophical study. *Senior Honors Projects*. Paper 254. Retrieved from: <http://digitalcommons.uri.edu/srhonorsprog/254>
- Dehghani, M., Atef-Vahid, M. K., & Gharaee, B. (2011). Efficacy of short-term anxiety-regulating psychotherapy on love trauma syndrome. *Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences, 5*(2), 18. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3939962/>
- Eastwick, P. W., & Smith, L. K. (2018). Sex-differentiated effects of physical attractiveness on romantic desire: A highly powered, preregistered study in a photograph evaluation context. *Comprehensive Results in Social Psychology, 3*(1), 1-27.

- Floyd, K. (2018). *Affectionate communication in close relationships*. Cambridge University Press.
- Garbinsky, E. N., Gladstone, J. J., Nikolova, H., & Olson, J. G. (2020). Love, lies, and money: financial infidelity in romantic relationships. *Journal of Consumer Research*, 47(1), 1-24. <https://doi.org/10.1093/jcr/ucz052>
- Garimella, V. R. K., Weber, I., & Dal Cin, S. (2014). From “i love you babe” to “leave me alone”- Romantic relationship breakups on Twitter. In *International conference on social informatics* (pp. 199-215). Springer, Cham.
- Gilbert, S. P., & Sifers, S. K. (2011). Bouncing back from a breakup: Attachment, time perspective, mental health, and romantic loss. *Journal of College Student Psychotherapy*, 25(4), 295-310. <http://dx.doi.org/10.1080/87568225.2011.605693>
- Gómez-López, M., Viejo, C., & Ortega-Ruiz, R. (2019). Well-being and romantic relationships: A systematic review in adolescence and emerging adulthood. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(13), 2415. <https://doi.org/10.3390/ijerph16132415>
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. Newbury Park, CA: Sage.
- Janardhana, N., & Manjula, B. (2017). Adolescent girls in care and protection framework for their romantic relationship. *Institutionalised Children Explorations and Beyond*, 4(1), 24-31. <https://doi.org/10.1177/2349301120170104>
- Kansky, J. (2018). *What's love got to do with it? Romantic relationships and well-being*. Handbook of well-being. Salt Lake City, UT: DEF Publishers.
- LeFebvre, L., Blackburn, K., & Brody, N. (2015). Navigating romantic relationships on Facebook: Extending the relationship dissolution model to social networking environments. *Journal of Social and Personal Relationships*, 32(1), 78-98. <http://dx.doi.org/10.1177/0265407514524848>
- Masland, S. R., & Hooley, J. M. (2020). When trust does not come easily: negative emotional information unduly influences trustworthiness appraisals for individuals with borderline personality features. *Journal of Personality Disorders*, 34(3), 394-409. https://doi.org/10.1521/pedi_2019_33_404
- Mata, J., Richter, D., Schneider, T., & Hertwig, R. (2018). How cohabitation, marriage, separation, and divorce influence BMI: A prospective panel study. *Health Psychology*, 37(10), 948-958. <https://doi.org/10.1037/hea0000654>
- Mattoo, N. H., & Ashai, Y. (2012). A study on impact of divorce upon the attitude and social relations of women in Srinagar district. *Studies on Home and Community Science*, 6(2), 113-120. <https://doi.org/10.1080/09737189.2012.11885376>
- Metra, M., & Coats, A. J. S. (2021). Why we love heart failure: An introduction to the universal definition of heart failure. *European Journal of Heart Failure*, 23(3), 350-351. <https://doi.org/10.1002/ejhf.2168>
- Miller, C., & Poston, M. (2020). The Dark Side of Relationships. *Exploring Communication in the Real World*. <https://cod.pressbooks.pub/communication/chapter/7-6-the-dark-side-of-relationships/>.
- Overall, N. C., Fletcher, G. J., Simpson, J. A., & Fillo, J. (2015). Attachment insecurity, biased perceptions of romantic partners' negative emotions, and hostile relationship behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 108(5), 730-749. <https://doi.org/10.1037/a0038987>
- Perilloux, C., & Buss, D. M. (2008). Breaking up romantic relationships: Costs experienced and coping strategies deployed. *Evolutionary Psychology*, 6(1), 164-181. <https://doi.org/10.1177/147470490800600119>
- Rajabi, S., Joukar, M., & Alimoradi, K. (2018). The Effectiveness of trauma specific cognitive-behavioral therapy on reducing love focused syndromes in college students. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 8(1), 79-96. <https://doi.org/10.22055/jac.2018.27127.1623> (in Persian)
- Raudanski, T. (2019). Kierkegaard's secret politics of anguish and love. *Kierkegaard Studies Yearbook*, 24(1), 165-192. <https://doi.org/10.1515/kierke-2019-0007>
- Rosse, R. B. (1999). *The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken*. New York: Perseus Publishing.
- Rothenberg, W. A., Hussong, A. M., & Chassin, L. (2018). Intergenerational continuity in high-conflict family environments: Investigating a mediating depressive pathway. *Developmental psychology*, 54(2), 385-396. <https://doi.org/10.1037/dev0000419>
- Rothenberg, W. A., Hussong, A. M., & Chassin, L. (2018). Intergenerational continuity in high-conflict

- family environments: Investigating a mediating depressive pathway. *Developmental Psychology*, 54(2), 385-396. <https://doi.org/10.1037/dev0000419>
- Sadikaj, G., Moskowitz, D. S., & Zuroff, D. C. (2017). Negative affective reaction to partner's dominant behavior influences satisfaction with romantic relationship. *Journal of Social and Personal Relationships*, 34(8), 1324-1346. <https://doi.org/10.1177/0265407516677060>
- Saltalı, N. D., & İmir, H. M. (2018). Parenting styles as a predictor of the preschool children's social behaviours. *Participatory Educational Research*, 5(2), 18-37. <http://dx.doi.org/10.17275/per.18.10.5.2>
- Shimek, C., & Bello, R. (2014). Coping with break-ups: Rebound relationships and gender socialization. *Social Sciences*, 3(1), 24-43. <https://doi.org/10.3390/socsci3010024>
- Slotter, E. B., Gardner, W. L., & Finkel, E. J. (2009). Who am i without you? The influence of romantic breakup on the self-concept. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 36(2), 147-160. <https://doi.org/10.1177/0146167209352250>
- Suppes, B. (2021). Using self-compassion to influence romantic relationship satisfaction: a case study of women. *Journal of Feminist Family Therapy*, 33(3), 244-269. <https://doi.org/10.1080/08952833.2021.1880185>
- Taklavi, S., Ramezani, M. (2019). Comparison of emotional failure and Dark Triad (DT) in women with and without addiction potentiality. *Journal of Research on Addiction*, 13(53), 285-300. <http://etiadpajohi.ir/article-1-1885-fa.html> (in Persian)
- Tandler, N., Krüger, M., & Petersen, L.-E. (2021). Better battles by a self-compassionate partner? The mediating role of personal conflict resolution styles in the association between self-compassion and satisfaction in romantic relationships. *Journal of Individual Differences*, 42(2), 91-98. <https://doi.org/10.1027/1614-0001/a000333>
- Vaterlaus, J. M., Tulane, S., Porter, B. D., & Beckert, T. E. (2018). The perceived influence of media and technology on adolescent romantic relationships. *Journal of Adolescent Research*, 33(6), 651-671. <https://doi.org/10.1177/0743558417712611>
- Verhallen, A. M., Renken, R. J., Marsman, J-B. C., & ter Horst, G. J. (2019). Romantic relationship breakup: An experimental model to study effects of stress on depression (-like) symptoms. *PLoS ONE*, 14(5), e0217320. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0217320>